

کتابخانه

عالم بهبود

کتابخانه

بها
 ۵ ریال

کرد آورنده
 مهندس اوستالی
 حبیب الله لاری
 نشانی:
 خیابان چریل
 کوچه گلکار شماره ۷

قسمت ۲



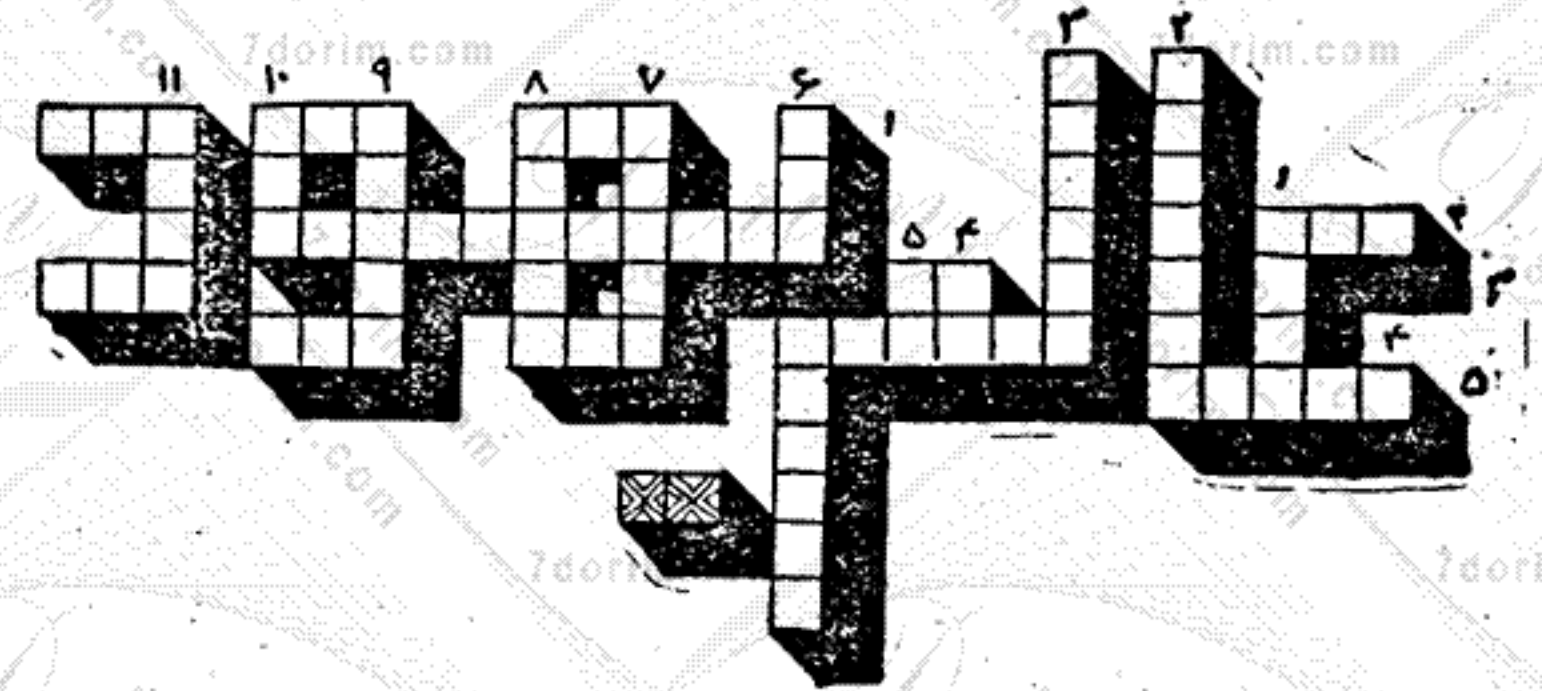
بمناسبت تصادف روز
 جمعه چهارم آبان ۱۳۲۴
 بسا بیست و هفتمین سال
 تولد اعلیحضرت همایون
 محمد رضا شاه پهلوی
 شاهنشاه جوان بخت و
 محبوب ایران تبریكات
 صمیمانه و ادعیه خالصه
 خود را بعموم هموطنان
 عزیز خود تقدیم داشته و
 همواره دوام و بقاء و
 عزت و جلال معظم الیه
 و خاندان جلیله سلطنتی
 را از خداوند متعال
 خواستاریم

مسابقه برای دوشیزگان

« اگر مادر شدید سعادت خانواده خود را چگونه میخواهید تامین کنید » دوشیزگان در این مسابقه شرکت نمایند و آثار و سلیقه خود را بطور مختصر که از ۲۰ سطر این کتاب تجاوز نکنند باین قطعه از عکس خود با آدرس صحیح برای ما بفرستند که پرتیب در هر قسمت از این کتاب چاپ میشود . به فرستنده بهترین جوابها يك گلدان قره تقدیم میشود .

برندگان جوایز جدول قسمت ۷
 از یکصد و پنجاه نفری که در این مسابقه شرکت نموده اند ۱۴۱ نفر جدول را صحیح حل نموده اند . بین شرکت کنندگان قرعه کشی بعمل آمد .
 از تهران دوشیزه سیمین سینا و از شهرستانها آقای امین نعمانی برنده شناخته شدند :
 برای هر يك از برندگان :
 کتاب فرستاده میشود .

شرکت
 سهامی
 چاپ
 برنده جایزه
 قسمت ۹ شماره
 ۵۴۲۲۷
 میباشد



عمودی
 طرح کننده عزت الله دلجانی
 ۱ - یکی از علمای یهود که کاشف امواج رادیو است ۲ - خلیل الله
 ۳ - یکی از بنادر فلسطین ۴ - سوپ ایرانی ۵ - شراب ۶ - یکی از پسران حضرت یعقوب - ارم اسرائیل ۷ - بز همیشه با اوست ۸ - مقبره استرومردخای در آن شهر واقع است ۹ - یکی از حیوانات ۱۰ - مارشالی که در يك جنگ نجات دهنده فرانسه و در جنگ دیگر خائن بمیمن معرفی شد ۱۱ - مؤسس صیونیست اذقی

۱ - وقت - درهمش سلسله جبالی است در آلمان - میوه ایست ۲ - یکی از زنهای حضرت یعقوب - یکی از ستارگان بهبود دره اویرد ۳ - مادر (بری) - قصبه ایست در فارس ۴ - مارشالی که با استالین پتهران آمده بود - یکی از شهرهای عربستان - رودی است در شمال ایران ۵ - درهمش شهر است در ترکیه که تالی آن معروف است .
 بدو نفر از اشخاصیکه این جدول را صحیح حل نمایند بچکم قرعه بهر يك ۴ قسمت از این کتاب جایزه داده خواهد شد . جواب تا بیست آبان قبول است .

(دوجوان با استعداد اسرائیل در رشت)

ترجمه کنید

משה בתבה

דמם צפה בתבה קטנה
 על היאור הנד:
 ובבתבה -- משה קטן,
 ילד יפה, נה.
 וממעל -- כפת תכלת,
 וממתחת גלי יאור;
 ושמש זהר, שמש יפה,
 שופך הרבה אור.

הם הגלים השוכבים!
 משה קטן שט;
 לא יטבע, כי חיה יחיה
 משה זה הקט.

کتاب عالم بهبود بمنظور توسعه فرهنگ عبری از این پس منتعنانی از کتب عبری را برای ترجمه درج میشود و بدو نفر از کسانیکه بهترین ترجمه نمایند بهر کدام ده قسمت از کتاب عالم بهبود بعنوان جایزه داده میشود .



ابراهیم بن صیون ۱۳ ساله
 موسی بن صیون ۱۶ ساله
 آقایان ابراهیم بن صیون (متولد سال ۱۳۱۱) و موسی بن صیون (متولد سال ۱۳۰۸) فرزندان آقای عبدالله بن صیون که از اسرائیلی رشت میباشند در اثر پشتکار و فعالیت که در تحصیل زبان عبری از خود بروز داده اند اکنون میتوانند در روزهای شنبه از عهده خواندن تورات مقدس در حضور جماعت به خوبی بر آیند .
 ما بدینوسیله از این دوجوان حساس قدردانی و تشویق مینماییم و امید داریم که کلیه دانش آموزان روش این دو نفر را سرشق خود قرار دهند .

تذکر بیهودیان ایران

محیط و افراد در تحولات اجتماعی تابع یکدیگرند

ایران وطن ما است و ما در راه ترقی و عظمت آن باید بکوشیم

در اطراف تحولات اجتماعی عقیده بردو نوع است. عده ای معتقدند که تحولات محیط تابع تئود شخصیتهاست و عده ای عقیده مندند که اشخاص تابع جریان اوضاع محیط هستند. از آنچه مسلم است میتوان دریافت که هیچک از این دو علت بنهائی دلیل تغییرات اجتماعی نیستند بلکه هر دو تابع یکدیگرند و لازم هم میباشند و مشترکاً در تحولات مؤثر هستند. ظاهراً دیده شده است که همیشه وجود نوابغ و بزرگان سبب تغییرات و ترقیات نقاطی از دنیا شده است ولی در حقیقت نمیتوان کاملاً یگانه عامل مؤثر تغییرات را وجود آن نوابغ دانست زیرا چنانچه همان اشخاص را از ملکت و محیط خود به نقطه دیگری که شرایط آن با شرایط محیط اصلی او متباین باشد آن اشخاص نابغه و بزرگ کاری از پیش نخواهند برد و بیش از اشخاص عادی نخواهند بود. زیرا خواص و استعدادی که در آن ها موجود است باید با شرایط محیط سازگار باشد. بسیار دیده شده است که اشخاصی دارای همه گونه استعداد ترقی کردن بوده اند و لیاقت و فعالیتشان بیش از دیگران بوده است ولی در آمل و نقشه های خود موفق نشده اند بعلمت اینکه شرایط لازم محیط مطابق ذوق و استعداد آن اشخاص نبوده است. گاهی محیط دارای همه گونه تغییرات مترقی است و کلیه شرایط لازم را دارا است ولی بدون وجود اشخاص مستعد کلیه آن شرایط عظیم مینماید. جریان اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دنیا نشان میدهد که گاهی یک محیط مستعدی سبب پیدایش شخصیت یا شخصیتهای برجسته شده و گاهی اشخاص برجسته و بزرگی برای ابراز نبوغ و بکار بردن استعداد و هنر ذاتی خود بدو محیط را آماده پذیرفتن تحولات نموده بپدیاها ترقی را بالا برده اند. ملل مترقی و پیشرو جهان از این نکته اساسی خوب بهره مند هستند و میدانند که چون همواره محیط اشخاص را تابع شرایط موجوده در خود بار می آورد لذا میکوشند که بر محیط مسلط شده و آنرا رو به ترقی و عظمت سوق دهند و زمینه مستعد و خواص نیک در آن ایجاد کنند که افراد آینده تحت شرایط مفید و قابلی بوجود آیند.

مردمی هستند که از کاروان تمدن باز مانده اند و اگر از آنها دلیل عقب ماندنشانرا سؤال کنند با عبارتی که دارای این مفهوم است خواهند گفت « شرایط محیط ما را از ترقی باز داشت» این استدلال تا اندازه ای درست و بی مورد است زیرا اشخاصیکه طالب ترقی و عظمت میباشند با وجود شرایط سخت محیط و موانع طبیعی میتوانند محیط خود را تغییر دهند و آنرا آماده هر گونه ترقی نمایند. مثلا تایک قرن پیش مملکت ژاپون (چشم پوشی از منالویت و شکست کنونی آن) یکی از ممالک عقب افتاده دنیا بوده ولی در نتیجه اراده شخصیتهای آن توانست سالها در برابر بزرگترین ملل عظیم دنیا خود نمائی کند. کشور شوروی با وجود مشکلات سخت اجتماعی و سیاسی و با وجود

عدم کفایت شرایط لازمه محیط در نتیجه ترقی خواهی شخصیتهای بزرگ آن زمینه عظمتش آن فراهم شد و با استفاده از خواص مردم برجسته و شرایط محیط یکی از ممالک عظیم دنیا مبدل گردید. آنهاییکه منتظرند که محیط طبق میلشان تغییر کند تا روزی استعداد خود را بعرض آزمایش و عمل گذارند اشتباه میکنند زیرا نباید صبر کرد که خود بخود و بدون علت تغییری موافق تمایلات اشخاص رخ دهد بلکه بایستی فنود اشخاص را در محیط وارد دانست تا آن محیط تخم تحولات را در خود بیزوراند و در موقع لزوم در نتیجه ابراز فعالیت شخصیتهای برجسته با شرایط موافق ثمر مورد نظر بدست آید.

بنا بر این باید دانست که هر فردی از جامعه بایستی وجود خود را برای ایجاد زمینه ترقی محیط خود مؤثر نماید تا محیطش رو به ترقی رود و اشخاصی هم که بنوبه خود تابعیت جریان محیط خود را میپذیرند در طریق ترقی سالک باشند.

حال - ای برادران ایسرائل ایرانی:

ایران کشوری است که قرنها ما واجداد ما را در دامن خود پرورش داده و مانند سایر برادران ایرانی از منابع پر فیض طبیعی آن یعنی از آب و هوای نشاط بخش آن بهره مند شده ایم. باید بیش از پیش و خیلی بیشتر از آنچه تاکنون خدمت نموده ایم در راه عظمت و ترقی این آب و خاک بکوشیم. تاریخ شهادت میدهد که قرنها است ما ملت یهود در خوشبختی و بدبختی برادران ایرانی خود شریک بوده و در کلیه تحولات مختلفه دوش بدوش برادران خود همراه بوده ایم و هنوز هم هستیم و باید هم باشیم. ما نسبت بدیگران بسیار عقب هستیم زیرا تصور کرده ایم که فقط محیط بایستی ما را تغییر دهد و کاملاً خود را تابع جریان محیط قرار داده ایم در صورتیکه میتوانیم با ابراز فعالیت زیاد تری هم ایرانی بودن و هم وطن پرستی خود را بیشتر ثابت کنیم و هم در ترقی و عظمت وطن عزیز خود مؤثر باشیم.

علت چیست که ترقیات برادران دینی ما یعنی سایر یهودیان دنیا بیش از ما میباشند؟ برای اینکه محیط آنها مترقی تر بوده و وجود آنها در ترقی محیطشان مؤثر بوده است بنابراین ما هم موظفیم مانند برادران دینی خود از کلیه مزایای قانونی و منابع طبیعی وطن خویش بهره مند شویم و بیش از آنچه تاکنون انجام داده ایم وظایف خود را برای ترقی این آب و خاک مجرا داریم. یهودی در هر دیاریکه بوده است از نواکاری و جانپازی خود در راه ترقی آن کوتاهی نکرده است یهودی در همه جا و همه وقت با فائزین افراد جامعه بوده است.

اگر ما را رنجانده اند اگر بما آزار رسانده و در تحت شکنجه قرار داده اند دست از وظیفه و ایمان خود که فدائیکاری در راه وطن است نکشیده ایم و نباید هم بکشیم. بر ما لازم است در این توقع باریک دست بدست برادران ایرانی خود داده و برای حفظ استقلال و عظمت ایران عزیز فدائیکاری کنیم.

انجمن مرکزی جوانان ایسرائل ایران

جوانی منبع شوقتها و احساسات بر حرارتی است که تعادل و احتیاط و قناعت را در وجود جوان راه نمیدهد، همواره جوان طالب و خواستار حداعلی هر مقصودیست باندازه که اغلب در پی مطالبهای افسانه میرود و همیشه مغز خود را میدان رژه و افکار و خیالهای امید بخش و غیر قابل موفقیته قرار میدهد. اینست چند صفت مشترکی که کم و بیش در همه کس یافت میشود در جوان کاملتر و فوق العاده تر آن موجود است و آن صفات جاه طلبی و خود خواهی و خود پسندی و چند صفت دیگر است که خارج از گفتگوی ما میباشد.

چون اکثر جوانان ما با نشخوار لذات جاه طلبی شب و روز خوش هستند و میخواهند خود را بهر عنوان و بهر نحوی شده بجایمانه بشناسانند (یا خوب یا بد) و خوبیشان را شخص برجسته و لایقی معرفی کنند بدون توجه بشرايط لازم (که مفید بودن و در نظر گرفتن احتیاجات جامعه و لیاقت فطری و توانائی برای انجام توهمات مفیده مردم است) بهر کاری دست میزنند گاه و بیگاه جلوه گری میکنند ولی متأسفانه چون بواسطه تربیتهای ناقص خانوادگی و خرابی اوضاع محیط دارای اخلاق نیستند و چون از روان شناسی و مردم داری و رموز زندگانی خبری ندارند از منطق و تدبیر و استدلال محروم هستند فقط احساسات جوانی خویش را رهبر خود قرار داده و می کوشند که بمقامی برسند، حال در پیسودن راه مقصود هر ضرر و خسارتی بدیگران یا بجایمانه خود وارد کنند ناچیز بنداشته فقط برای رسیدن به نقطه که در نظر دارند دست و پامیکنند انجمنها تشکیل میدهند دسته ها بوجود میآورند مراسمها و اساسنامه و آیین نامه و برنامه درست میکنند، همه در سر لوحه مراسمها خود شریک المسلک هستند و میگویند «تجدید افتخارات ملی و خدمت بجایمانه و بالا بردن سطح افکار ملت و ... منظور ما است»

ولی بد بختانه در باطن با یکدیگر در مبارزه هستند و برای انحلال یا تقییر یکدیگر نهایت کوشش رامینمایند ولی اغلب بدون تأثیر دخالت دیگران از بین میروند.

همانطور که قبلاً عرض شد جاه طلبی و خود خواهی عده سبب میشود بنام خدمت بجایمانه انجمنهای تاسیس شود چون این انجمنها بمنظور شخصی ولی بنام اصطلاحات ملی روی کار میآیند و اساس و پایه اش روی مقصود فردی یعنی شهرت و کسب جاه چند نفری است و در جریان عمل و تشکیل جلسات و اقدام بکارهای مربوطه همیشه منظور اصلیشان در مد نظر است و مؤسسين بدون استحقاق یا بدون داشتن شرایط لازم میخواهند بر دیگران ریاست کنند. لذا اشخاص باریک بین و با تدبیر بی بمقصد آنها برده خود کناره گیری کرده و یا دیگران آگاه نموده که آلت دست قرار نگیرند. یا اینکه در میان انجمنهای مختلفه جوانان عناصر جاه طلب دیگری یافت میشود که در پی محیط و فرصت مناسبی هستند که جلوه خود را بر رخ دیگران بکشند بنا بر این با رفقای خود مخالفت کرده و در دنباله آن مخالفت از انجمن کناره گیری مینمایند و علی رغم دوستان خود دست و انجمن نوظهور دیگری بمشورت فریبنده که از فرهنگستان مغز پر التهاب و درون پر جوش و خروش خود یافت می کنند بوجود میآورند و اولین اقدام برجسته اش مخالفت با دسته ما مقابل است، در نتیجه این قبیل ابتکارات نارس و بی اساس مبارزه خصومت آمیز بین جوانان اجزاء میگردد که سبب کینه ها و دشمنی های شدید و خطر بعدی شده ممکن است خاندها را نابود کنند.

در نتیجه پیشنهاد چند نفر خیر اندیش بنام دو دسته از جوانان که بیک منظور روی کار آمده بودند ائتلافی شود خود نیکارنده در جریان عمل ناظر بودم در اوایل که طرفین با نظر منفی شدید مخالف ائتلاف بودند پس از بیان استدلال و اثبات صلاحیت اتحاد، دلایل بچگانه بیان میآوردند و از ائتلاف جسداً دوری می جستند مثلاً یکی میگفت: برای ائتلاف حاضرم ولی فقط با شرط نام و عنوان قبلی انجمن خود زیرا سوگند یاد نموده ایم که نسبت بهرام خود که «نام ...» انجمن است «وفا دار باشیم. دیگری می گفت: چون ممکن است در هیئت رئیسه بعدی انتخاب نشوم با ائتلاف موافق نیستم دیگری میگفت با فلان جوان «خورده حساب شخصی دارم» و او هم در این ائتلاف شرکت میکند من برای ائتلاف حاضر نیستم. ... این قبیل دلایل بیجا و سست را مانع پیشرفت امور ملی قرار میدهند و خود را اصلاح طلب و خدمتگزار هم قلم میدهند. متأسفانه بعضی از این جوانان خام یافت میشوند که سبب حقارت دیگران میگرددند و برای نظر شخصی باعث خرابی قسمتی از کارهای جامعه میشوند. هنوز این عده نتوانسته اند بفهمند که فرد اجتماعی بکسی میگویند که دارای شهامت و تهور باشد که بتواند منافع شخصی را فدای مصالح عمومی کند، کسی قابل است در امور اجتماعی دخالت کند کسی قابل احترام و تیکنمائی است که نظرهای خصوصی و خورده حسابهای شخصی را در برابر امور ملی ناچیز بداند و حاضر شود که خود و منافعش فدای منافع اجتماعی شود ولی «میان عشق تاصبوری هزار فرسنگ است»

باید نظر گرفتن مطالب فوق بر ما ثابت میگردد که جوانان ما قبل از فرا گرفتن تمایم لازم اجتماعی خود سرانه و یا بنا به احتیاجات مبرم ملت بملت خرابیهای بیابانی (که ناشی از مسامحه و غفلت و خود خواهی و تن پروری مردان خصوصاً بزرگان ما میباشد) در امور اجتماعی دخالت میکنند و بجای دادن نتایج نیک مضر هم واقع میشوند (بجز عده از جوانان با تدبیر و خیر خواه و فعال که اثرات نیک و قابل تقدیری مانند درماکاه و کلاسهای عبری از خود بیادگار نهاده اند).

برای جلوگیری از اقدامات خود سرانه و هرج و مرج داخلی و تاخت و تاز عناصر جاه طلب و خود خواه لازم است که انجمنی بنام «انجمن مرکزی جوانان ایسرائل ایران» تشکیل شود.

تشکیل این انجمن اول برای تربیت و آماده نمودن خود جوانان است بمنظور فرا گرفتن فنون اجتماعی و دارا شدن شرایط خدمت در جامعه و در تحت رهبری عده ای کاردان و با تجربه با «سازمان مرکزی ملی جامعه یهود ایران» همکاری نمایند. این انجمن با تشکیلات منظم و وسیع بایستی از ایجاد دستجات مستقل و خود سر بنام جوانان جاوگیری نماید. یعنی طوری پایه و اساس خود را برقرار نماید که فرصت و موفقیتهای برای دیگران که بخوانند علی رغم این انجمن دسته بندی ایجاد نمایند و باعث انحلال و کارشکنی شوند باقی نگذارد.

این انجمن با داشتن رابطه مستقیم بایستی برای ایجاد یگانگی و اتحاد خود را وابسته به «سازمان مرکزی ملی جامعه یهود ایران» دانسته و در تحت سرپرستی آن رسمیت نانونی خود را بدست آورد. این انجمن کلیه جوانان را باید برای شرکت دعوت کند و شعبات خود را در کلیه شهرستانها تاسیس نماید و یک اتحادیه منظم و قوی و نامحدودی از کلیه جوانان ایسرائل ایران ایجاد نماید.



هورلیشا

«پسلی هور بلیشا» در سال ۱۸۹۶ در انگلستان متولد شده. در سال ۱۹۲۳ با ست نامی کنگی حزب لیبرال (آزادیخواه) وارد بارلین شد. در سال ۱۹۳۱ به پیدایش Qualitsia کمک نمود و در سالهای ۱۹۳۱-۱۹۳۴ سمت وزارت حمل و نقل و ارتباطات داشت. این شخص موفق شد که مسئله خط متی حزب خود را در روزهای تاریخ انگلستان که با انتشار وی بنام «ستون های بلیشا» نامیده شد حل کند. در ۱۹۳۶ وارد کابینه انگلستان شد و در ۱۹۳۷ وزارت جنگ را برعهده داشت.

از آن پس نیز دارای سمتها و پست های مهم و حساس بوده است. گرد آورنده ره خالبری

در نایش خدمت بسزائی نموده و تاثیر غریبی در تماشایان داشته و دارد. مهمترین تصانیف هلوی که از طرف عموم فرانسویان خواننده و ورد زبان خاص و عام شد تصنیف موسوم به (الغازار) میباشد که در پس زن یهودیه تهیه شده است و بعد از آن تصنیف مشهور دیگر موسوم به (دوس) که ضمن پس (ملکه فرس) نواخته شد و چند تصنیف دیگر که در پس های شارل ششم و تفنگداران ملکه قرار گرفته میباشد. باینکه مصنفات هلوی در نوع خود خیلی عالی و دلپسند میباشد مهمنه مرورایم آنها را بدست فراموشی سپرده و امیدوار است که بعد ها عالم فن موسیقی بتواند از آنها استفاده نماید.

گرد آورنده - ره خالبری

یکی از موسیقی دانهای معروف و مشهوری که در قرن نوزدهم در فرانسه میزیسته و موجد تآثر و اپرای توام به موسیقی بوده شخصی است



هلوی

ترجمه: خنیا ملند

موسوم به «ژاک فرانسوا فرومنتال الی هلوی»

هلوی درام نویس مشهور فرانسه در تاریخ ۲۷ مه ۱۷۹۹ در پاریس از یک خانواده گنام یهودی متولد شده و در ۱۷ مارس ۱۸۶۲ در «نیس» فرانسه پس از طی یک زندگانی پر افتخاری دنیا را بدرود و یک سلسله آثار روح پرور از خود باقی گذاشته است. نظر شوق وافر که نسبت به موسیقی داشته پدرش او را در سن ده سالگی در «کنسر- و اتوار» تحت تعلیم و تربیت «گازوت» «شارل لامبرت» «برتون» و غیره که از اساتید فن موسیقی و نوت بوده اند قرار داد.

هلوی در دوره تحصیل دبیرستان موسیقی که دوره آن ده سال بود بطوری آثار نوخ و زیرکی و بلندی فکر نشان داد که همیشه سرآمد همگنان و موجب افتخار و سر بلندی آموزگاران بوده بطوری که در نوزده سالگی (۱۸۱۹) موقع دادن امتحان نهائی موفق باخذ بزرگترین جایزه تصنیف سازی و نوت نویسی گردید و از طرف دانشگاه در (۱۸۲۰) به رم اعزام گردید و در آن شهر مدت دو سال اقامت نموده و موفق به تهیه یک اوپرا و تئیت چندین تصنیف از نوع کلاسیک گردید.

ولی از تاریخ (۱۸۲۲) که از رم مراجعت نمود سیستم کار خود را تغییر داده و دائن اوقات خود را برای تدوین و تالیف موسیقی «دراماتیک» مصروف نموده که معروفترین آنها در عمارت «نایشگاه فرانسه» (اوپرا) نایش و مورد توجه عموم واقع گردید. پس های عمده ای که این موسیقی دان مشهور تالیف و نایش آنها نیز داده شده و یادگار مانده بقرار زیر است:

- ۱- «زنهای بوهم» (در ۱۸۲۲) ۲- «بیگمالیون» (در ۱۸۲۴) ۳- «دویرق» (در ۱۸۲۷) ۴- «شاه و کشتیان» (در ۱۸۲۸) که در جشن تولد «شارل دهم» پادشاه فرانسه نواخته و مورد تحسین واقع گردید ۵- «کلاری» (در ۱۸۲۹) ۶- «مانون لسکوت» (در ۱۸۳۰) ۷- «زبان موسیقی» (در ۱۸۳۱) ۸- «لا فونندسیون» (در ۱۸۳۴) ۹- «یادگارهای لافور» (در ۱۸۳۴) ۱۰- «زن یهودیه» معروفترین اوپرائی است که در سال ۱۸۳۵ در پنج برده نایش و مورد توجه عموم و باعث افتخار مشارالیه گردید ۱۱- «وایدرفلورانس» (در ۱۸۳۸) ۱۲- «ملکه فرس» (در ۱۸۳۹) ۱۳- «شارل ششم» (در ۱۸۴۳) ۱۴- «اولازارون» (در ۱۸۴۴) ۱۵- «تفنگداران ملکه» (در ۱۸۴۶) ۱۶- «قدمهای اولیه» (در ۱۸۴۷) ۱۷- «ملکه بریان» (در ۱۸۴۹) ۱۸- «طوفان» (در ۱۸۵۰) که در انگلستان نیز نایش داده شد ۱۹- «یهودی سرگردان» (در ۱۸۵۲) ۲۰- «زن جادوگر» (در ۱۸۵۷) و نیز تعداد زیادی نایشات و تآثرهای موزیکال (که شرح آنها زیاد و در این مقال نمیگنجد) تدوین و بمرعش نایش گذارده، منجمه چندین نایش که بزبان عبری نوشته شده و در اوپرا برای یهودیان فرانسه و در خارجه نیز نایش داده میشد. از پشت کار وجدیت مشارالیه آنکه تا ۱۸۶۳ یعنی تا سن ۶۴ سالگی بیوسته مشغول نوشتن پس های موزیکی بوده که تمام آنها تحت نظر خودش در اوپرا برای فرانسه نایش داده میشده و علاوه کتب مختلفه ای برای طرز تدریس و تعلیم موسیقی تالیف نموده است.

هلوی در ۱۸۵۷ بصورت منشی دائمی آکادمی فرانسه (شعبه هنرهای زیبا) منصوب گردید و از این موقعیت استفاده نموده شروع بتدوین و تهیه کتاب مفصل و مهمی راجع به هنرهای زیبای فرانسه بنام «آخرین یادگارها و نقاشی ها» در ۱۶ جلد پرداخت که در ۱۸۶۳ در دسترس عموم قرار گرفت. این کتاب که معرف واقعی وضعیت هنرهای زیبای فرانسه میباشد جلب توجه عموم، خصوصا علاقمندان باین فن را نمود. هلوی بعد از «مثیربر» که از موسیقی دانهای معروف است توانسته است به اوپرای تاریخی مهمترین و بزرگترین شکلی را که تا آن تاریخ سابقه نداشته و عبارت از «فن موسیقی توام فن درام نویسی» میباشد بدهد مخصوصاً در پس های زن یهودیه و ملکه فرس توانسته است لیاقت خود را در این فن بحد اعلی بنصه ظهور برساند بطوری که طریقه ابداعی او مدت نیم قرن در صحنه اوپرای فرانسه معمول و متداول و مورد پسند عموم بوده است. از نقطه نظر موسیقی پس های هلوی طوری تنظیم یافته که مورد پسند همگان واقع گردیده و دلربا و ملیح میباشد بطوریکه خود موسیقی

قوم ضعیف و آواره را در زیر منگنه های خود خورد و مضحک سازد! آتوقت در صورت بروز چنین حوادثی که بدون شك در غیر پذیرفتن درخواست ملت یهود ممکن است صورت عمل بخود گیر دجه کسانی از آن جلوگیری خواهند نمود و یا اقدام مقام صلاحیت داری مسئولیت آنها نموده و کشتار و فجایع و خساراتی را که بر این ملت آواره و در بدر وارد میشود بعهده خواهر گرفت. آیا دولتی وجود دارد که خود را مشول تمام این اتفاقات ناگوار و خونریزیهای احتمالی بشناسد و یا سند حفاظت حقوق افراد یهودی را در جهان آینده و مسئولیت آنانرا بامضاء برساند؟! آیا ملت یهود میتواند بارویا های شیرین و تخیلات شاعرانه حقوق خود را محفوظ بیند و حال آنکه در هیچ انجمن و کتبه ای مسئله غرامات یهود بطور رسمی مطرح نشده و حتی کله ای هم درباره کشته شدن شش میلیون نفر یهودی در کشورهای تحت اشغال نازی گفته نشد؟! هانگونه که اگر غنابجویانی نرسد پس از چندی مقاومت میرسد و یا اگر جانوری را که در منطقه بسیار گرم (محیط مربوط بخود) میزیست است به منطقه ای بسیار سرد انتقال دهند بعلت تغییر شرایط محیط و مابیت آن با شرایط حیات که متناسب محیط اولیه در حیوان موجود بوده است جانور منکوم بفرنا میگردد همانطور هم ملت یهود که درخواستش آن بمنزل شرط اساسی حیاتش محسوب میشود ممکن است در اثر تغییر شرایط حیات

یعنی رد پیشنهادش محکوم بزوال گردد. و مسلم است که در چنین صورتی مسئولیت آن در پیشگاه حقیقت و قاضی وجدان و شرافت و انسانیت و مروت مستقیماً متوجه کسانی است که در این امر حیاتی اهمال و سستی و یا مخالفت میورزند و این ملت آواره و ضعیف را بدستهای آلوده بجنایت این نهضت شوم همیسپارند. فکر کنید اگر یک روزی تبلیغات منفی و جوش و خروش گروهی مبلغ که از طرف سران این نهضت مأمور گرد آلود کردن آب شده اند منتج به نتیجه ای گردد و بدینوسله موفق شوند که برده های حقیقت را در نظر رهبران بشر تیره و تار جلوه دهند و یا عده ای مفسد و متظاهر بتوانند این حق را نامشروع و غیر طبیعی جلوه گر سازند چه عواقب وخیمی خواهد داشت و چه نتایج خانمانسوز و زیانهای جبران ناپذیری ممکن است از آن عاید شود و یا چه جرم و جنایتی دامن طرفداران آزادی و پیشوایان نوع بشر و مبارزین با امتیازات زادی و بردگی را ملوث خواهد کرد و بالاخره تاریخ و آیندگان چگونه شهادت و چه قضایاتی را درباره مجریان این نقشه خواهند کرد.

ممكن است بعضی از محافل و یا کشورها در اثر سوء تفاهم درخواست ملت یهود را سوء تعبیر کنند بدین معنی که تصور کنند که عموم یهودیان میل دارند بفسطین مهاجرت و در نتیجه کشور اصلی خود را ترك گویند و شاید از این راه ضایعه ای بزرگ گریبانگیر آن کشور گردد. البته این موضوع آتقدرها قابل بحث نیست چه با کمی غور و دقت و رسیدگی به ماهیت و علل این درخواست و همچنین با مراجعه بتاریخ بخوبی میتوان پی برد که یهودیان هیچگاه طرفدار این عقیده نبوده و نیباشند زیرا

بقیه در صفحه ۲۱۵

در قسمت هشتم این کتاب ذکر شده که ملت یهود بابت سهمیه صلح در ازاء فدا کارها و خسارات وارده و همچنین تلفات زیادی که در طول مدت جنگ برای تثبیت دموکراسی و آزادی نوع بشر داد یک حق مشروع و موروثی خود را مطالبه میکند بدینمعنی که:

ملت یهود میخواهد بایجاد یک اکثریت یهودی در فسطین حکومتی ملی برقرار نموده تا شاید بتواند خود را از تهاجمات آتی سنبها که در هر موقعیتی یک لباس درمیآیند محفوظ بدارد. ملت یهود بنام آزادی و حق حیات و بوم و بوم و بوم و بوم و بوم از قانون تنازع بقاء یک حق مشروعی را مطالبه میکند که در نتیجه بتواند بوسیله آن حیات خود را تضمین نماید و بر پیشوایان و رهبران بشر واجب است که بنام تساوی حقوق بشر و انسانیت و وجدان و شرافت که در انسانهای کامل (از نظر تکامل) بودیت گذاشته شده است با استرداد این حق مشروع موجبات امیدواری قوم یهود را بجات خویش در دنیای آتیه فراهم سازند. چه در غیر این صورت ملت یهود، هیچگاه نمیتواند خود را در امنیت بپنداشته و بجات آتیه اش امیدوار باشد. زیرا نهضت آتی سببیم نهضت کوچکی نیست که در یک ملت و یا قوم بخصوصی موجود باشد و ملت یهود بتواند در برابر آن پایداری و یا برای خنثی نمودن آن اقدام نماید بلکه این نهضت خود از یک منبع بزرگی که بمنزله یکی از مهمترین و برجسته ترین غرائز حیوانی محسوب شده و از طریقه توارث دویشترا افراد بشر بجا مانده است سرچشمه میگردد و آن غریزه است که ماهه روزه در زندگی روزمره حیوانات بطور اکمل مشاهده میکنیم. یعنی بویوح آن غریزه است که همواره حیوانات قوی و متدبر میخوانند بر حیوانات کوچکتر و ضعیف تر چیره شوند و وسایل حیات آنها را برای ادامه حیات و رفاه و آسایش خویش ضبط نمایند، از اینروست که گریه میخواند بر موش که آنرا ضعیفتر و کوچک تر از خود می بیند قلبه یابد و یا گریه گوسفندی را که از خود بزبون تر و بیچاره تر است ببرد. چنانکه گفته شد این یک غریزه حیوانی است که از طریقه توارث در نسل انسان نیز باقی مانده است و فقط افرادی آنرا فاقدند که تکامل آنها سریعتر بوده و صفات و مشخصات انسانی در آنها بارزتر است. بنا بر این یهودیان که خود را در چنین دنیای پر مخاطره ای و با چنین نهضتی که احتمال می رود هر آن شعله هایش خرمن هستی شانرا یکباره بسوزاند مواجه می بینند حق دارند که بیا به حیات خود را متزلزل دانسته و بآتیه خود نگران باشند و باز بیجاست اگر که از هم اکنون ناله های خود را بگوش جهانیان بخصوص بگوش رهنمایان نوع بشر و ناظرین برنامه آتیه جهان و طرفداران انسانیت و نوع دوستی و سیاستمداران کنونی برسانند و شالوده حیات آتیه شانرا بی ریزی نمایند.

از کجا معلوم است که در همین سرزمینهایی که اکنون پرچم آزادی و مساوات بر فراز باندیهای آن باهتزاز و شعار ساکنین آن تساوی حقوق بین افراد بشر و رعایت رفاه و آسایش نوع بشر بدون در نظر گرفتن اختلافات نژادی و مذهبی میباشد فردا علم بردگی افرشته نگردد و منطق خشک و بی اساس حق با قویست جایگزین تساوی حقوق بشری در شعار آنان نشود و بار دیگر این نهضت شوم آتی سببیم شدت عمل نیابد و این

بقیه در صفحه ۲۱۵

بقیه در صفحه ۲۱۵

ترجمه و نگارش: آقای بنامین حاسید.

ستاره منزوی

ای ستاره منزوی که از تاریکی درخشیدی تمنی دارم بر راه ماتم زایم بر تو افکنی زبانه فقط فشارها و تحدیداتی که بر من وارد میشود مرا پریشان و مضطرب و خسته و درمانده کرده است بلکه آن تعدیلات و هم خوار بودن با ملل متفاوت مرا مجبور کرده است که بوغ گاورا برگردن نهم و پشت مسکین و نیازمند خود را از زیر بار خالی ننمایم .

زیرا من که پیر در بدر آنم بخانه کوچک و محقر خود و بخانه خراب و ویرانه خود دل بستگی و علاقه دارم و تا باید آن خانه از نظرم دور نخواهد شد .

در بدری مرادت انگیزی نصیب نیاکام شده است ، استیصال و تیره روزی قسمت مادرم گردیده است .

نه از صای در بدری مرا با کی است و نه این بار مدلت و بسدیغنی و مشقات طاقت فرسائی را که ملل متفاوت بروی پشتم گذاشته اند سنگین استلا کن این زندگانی بی امل و این زندگانی پوسیده و از هم پاشیده که چون سرب بدریا فرو می رود و در قرظلمت ها مرقوق میگردد چندین برابر برایم تلخ تر و فرسوده تر است

زندگی من بیشتر به زندگی یک سک کرسنه که مقید بزنجیر است شباهت دارد . ای زندگی بی امل و ای زندگی پر مرارت ، ای زندگی پوسیده و از هم پاشیده تف بر تو باد ، من تورا دشنام میدهم و از تو نفرت دارم لعنت بر چنین زندگی باد ای ستاره جان مایوسم از پرستش بیگانه از در بدری ملالت زار ، از شکست و آزار بیگانگان خسته گردیده ام ، فروغ خود را بر من افکن و امتداد بده و این زندگانی تیره و نارمرا روشن نما .

با امید واری تمام بسوی تو که کعبه آمل و آرزوی منی عزیمت خواهم کرد . آیا این شب بطول خواهد انجامید ؟ کی واقف است وجه شخصی میتواند پیشگویی نماید که این در بدری و تیره بختی که خدا برای من مقدر کرده است چه وقت بانها خواهد رسید ؟

ای خدا در این شب سیاه در این کالوت طولانی چشانت خود را بسوی آسمان تو بلند میکنم جلال ترا می بینم ، گریه کرده از این دل پردرد و این زندگی بی امل فریاد بر می آورم . بشتاب و باز گرد و مرا تسلی بخش ، از سرشکهای که از چشمانم بی فروغ فرو میریزند یک قطره زلالی محفوظ مانده تمنی دارم این امید و آرزوی مرا بر آورده و مرا کامیاب و کامران نمائی .

این جرعه باستانی ، اشتیاق سرزمین اجدادی ، عزیمت بسوی مادر هنوز گرمی خود را در دل پر دردم از دست نداده و تا با بدم خاموش نخواهد گشت ، بلکه این جرعه باستانی در اندرونم شعله ور

رویای شیرین

آهسته از شیب کوه فرود می آمدم ، دره مصفا می در برابر چشمانم هویدا گشت درختان سبز و خرم در رقص و طرب بودند ، نسیم ملایمی میوزید ، عروسان باغ ، گلای زبیا عاشقان خود را در آغوش گرفته و با آنها بازی و نیاز مشغول بودند . آن ها شراره های سوز و گداز فراق و شله های آتش هجران را با بوسه های وصال فرومی نشاندند .

حوض کوچکی با آب زلال بمنزله آئینه طبیعت در آنجا قرار داشت که گمراهان وادی عشق و عاشقان فراق کشیده خود را در آن میگریستند آنگاه با قلبی مملو از شور و شرف نشانه زنان بسوی معشونه های خود میشتادند . راستی چه منظره زیبا و دلنشینی بود .

آهسته قدم بر میداشتم و پرده حیات را که باید و آرزو های زیادی منقوش شده بود از نظر میگذراندم گاهی هم نقاط برجسته آنرا بیک دیگر نشان میدادیم در این رؤیا های شیرین سیر میکردیم که ناگاه

از گنار قبرستان

هنگامیکه چشم بمقبره بزرگان میافتد هر گونه حس حسادت در من میبرد ، هنگامیکه سنگ قبر مهربان را میخوانم هر گونه حس شهوانی از دم بدر می رود ، هنگامیکه با گریه و زاری پدر و مادری بر روی قبری مواجه میشوم اشک ترحم بی اختیار از دیدگانم جاری میشود ، هنگامیکه مزار همان پدر و مادر را می بینم به بیهودگی ناله و زاری برای رفتگان خود را که دیر یازود و خواهی نخواهی با آنها ملحق میشویم بی میرم ، هنگامیکه سرنوشت مختصر دو عاشق و معشوق ناگهرا میخوانم که آرزو های جوانی خود را بگور برده و اکنون در آغوش خاک آرمیده اند به بیوفائی جهان ناسزا میگویم ، هنگامیکه سلاطین بزرگ را میبینم که با وجود آنهمه ابهت و جلال و با وجود آنهمه تنفر و عداوت نسبت بیکدیگر اکنون پهلو پهلو بیملوی هم بخواب آید فرورفته اند ناآبایداری روزگار بن ثابت می شود ، و بالاخره هنگامیکه تواریخ مختلف سنگها از آنها تیکه دیروز و آنهاییکه ششصد سال قبل رخت از این جهان بر بستند یک یک از جلوه نظرم میگذرند آن روز بزرگ را بخاطر می آورم که همه معاصر بیکدیگر شده بملاقات بیکدیگر نائل خواهیم شد .

ترجمه و تلخیص: نسیم بهاری - از نویسنده مشهور انگلیسی - ژوزف ادیسون

چهره زیبایش رسم شده بود در نظرم نمایان شد .

اما این خطوط هنوز نتوانسته بودند زیبایی و برام معدوم و یا کم نمایند . از شدت شرف فریادی بر آورده و بسوی شاتم .

همینکه مرا دید لبخند دلنشینی بر لبانش نقش بست و بر تالی را که در دست داشت بمن نشان داد و مرا بسوی خود دعوت نمود .

نزدیکتر شدم عقب رفته بود ، جاوتر رفتن آنطرف تر بقیه در صفحه ۲۲

و فروزان گشته و برافروخته تر میگردد .

ای خدایا این جرعه امید و آرزو که در سنگ سراجی دل افراد اسرائیل باخا کستر حوادث خونین و نالایبات روزگار مدفون گردیده است بر آرزو تا آن خا کستر با یاد فنا و نیستی دهیم و قد مردانگی و جوانمردی برافرازم تا شهادت و شجاعت خود را در روز نبرد بکار بندیم ، نبرد در راه وطن ، نبرد در راه آزادی از اسارت و بندگی ، نبرد با زندگی پوسیده و از هم پاشیده ، نبرد با زندگی بی مقصد و مرارت زار و بالاخره نبرد اخلاقی و فکری و روحی نایب نامه و هر چیز را ترک گشته باغوش مادر پناه ببریم ، او را خدمت نمائیم در راه اوجان نثار کنیم و از چنگال ظلم و ستم بیرحمانه خود را نجات دهیم تا یک زندگانی ثابت و پرافتخار و یک زندگانی آزاد و جاوید شامل حال هر یک از افراد ملت پراکنده اسرائیل گردد .

سهامیه صلح و مسئله یهود

بقیه از صفحه ۲۱۳

همانطوریکه پشتیبانی و طرفداری يك دولت مسیحی و یا اسلامی و غیره از استقلال و ایجاد يك دولت مسیحی و غیره دلیل مهاجرت و عزیمت آنان به کشور های مورد طرفداری نبیاشد طرفداری کلیه یهودیان دنیا در ایجاد يك دولت یهودی نیز دلیل مهاجرت آنان ب فلسطین و ترك موطن اصلیشان نمیتواند باشد (بخصوص که این امر در حین عمل مشکلات زیادی را پدید و در نتیجه محال بودن آنرا ثابت میکند) بلکه بدینوسیله میخواهند حقوق و منافع خویش را محفوظ بدارند و اگر چنانچه روزی دست تجاوز و تعدی بسوی آنان دراز شد و خواست هستی آنان را در معرض تاخت و تاز قرار دهد بتوانند بآن دولت پناهنده شده و از شر مهاجمین مصون بمانند .

مسلماً اگر روزی هم این خط و اشتباه دامنگیر عالم بشریت گردد و در نتیجه این نهضت توسعه و تشدید یابد یهودیان نیز بوجوب قانون عمل و عکس العمل و تنازع بقاء بزودی و بدون مقاومت تسلیم سرنوشت شوم خود نخواهند شد بلکه در حین دفاع و تاپایان سرنوشت خود خواه و ناخواه خسارات زیادی را به دشمن خویش وارد خواهند آورد .

این يك قانون طبیعی است زیرا اگر گربه ای را در اطالی قرار دهید و در بها را برویش مسدود کنید آنگاه با چوب یا وسیله دیگری در صدد آزارش بر آید گربه ابتدا در صدد فرار بر می آید ولی همین که از فرار مأیوس گشت مسلماً در صدد دفاع بر می آید و هیچ بعد بنظر نمی رسد که همان گربه ضعیف باینجه هایش شمارا زخمی و مجروح سازد .

بدون شك اهمیت این موضوع بر هیچ يك از رهبران جهان پوشیده نیست و نیز در نزد مطمین امور بسیار بید و بلکه غیر ممکن بنظر می رسد که سیاستمداران کنونی با تحمل این همه رنج و مصیبت و دادن این همه تلفات و خسارات برای آزادی نوع بشر و مغلوبیت استبداد و سنگری دچار چنین اشتباهی گردند و این مسئله حیاتی را مورد شور و مطالعه قرار ندهند .

بنابر این ملت یهود حق خواهد داشت که چه در آراء پاداش تلفات و خساراتش در جنگ و چه از لحاظ انسانیت و مساوات بنام تساوی حقوق بشر چنین درخواستی را برای تأمین و ادامه حیات آتیه اش بنماید .

قهرمان داستان اینجا کسی است که همیشه خود را در خانواده از سایرین مجزا مینماید و میخواهد همیشه بر همه چیز مستبدانه حکومت کند و هیچ منطق و دلیلی هم ننماید . هرگز تسلیم عقیده دیگران نمیشود و لواشکه از عقیده خود بهتر باشد .

چنین شخصی میخواهد تنها متکلم و حده باشد همه چیز بگوید بدون اینکه هیچ بشود همه کاری بکنند بدون اینکه هیچ واکنشی به بیند و در نبال کارهای او هیچ کس را یاری چون و چرا و مقاومت نباشد . او خیلی حساس است بدون اینکه هرگز فکر کند دیگران هم مثل او انسانند و احساسات دارند ؛ دیگر از صفات بد او که همیشه باعث غم و اندوه وی نیز میشود اینکه خیلی در حرکات و رفتار نزدیکان خود کنجکاو و بخرچ میدهد و گاهی برای آزمایش آنها را شخصاً با آنها هتاک و اذیت هم می کند ، حس عصبانیت آنها را بر می انگیزد و در عین حال هم از آنها توقع دارد در مقابل تمام این حرکات قبح و زشت او را نوازش نموده با عزت و احترام زیادی از کارهای خوبی که نکرده تقدیر و تشکر نماید !! نصیحتا باین قبیل اشخاص باد آور میشود :

آزار بیش از این جهان بینی
اندر بلای سخت پدید آرند
کمر تو بهر بهانه بیازاری
فضل و بزرگواری و سالاری
«رود کی»

نگارش: آئینه

چرا همیشه رنجی

همانطور که آتش جنگ و نفاق در میان بعضی دول با ملل مختلفه هر چند سال یکمرتبه دامن میگردد و آنهم روی باره ای از عقاید سیاسی است ، باید دانست که در بین بعضی خانواده های جاهل و غافل نیز این آتش مانند آتش مقدس که نباید هرگز خاموش گردد همیشه شعله ور میباشد .

منتهی گاهی شدید تر شده یکباره خرمن آبرو و هستی يك و یا چند خانوار را یکدفعه میسوزاند و یا گاهی با شدت کمتری دوره حیات مغفی و بطنی خود را طی میکند و مانند موربانه کم کم ستونهای حساس يك خانواده را میخورد و باعث خرابی و ریزش کاخ هستی و سعادت آنها میشود .

اختلافات دول مختلفه بر سر تضادم منافع اجتماعی آنها پیش می آید و مبارزات دول بر سر آنها است که بالاخره هم بیک نتیجه ای منتج خواهد شد .

در صورتی که در مناقشات و منازعات خانوادگی تنها جهل و غفلت عامل اصلی محسوب میشود و بواسطه حس خود پسندی افراد روز بروز توسعه مییابد و هیچ تضادم منافی در بین نیست زیرا اگر اعضای يك خانواده دارای عقل سلیم و فهم و درایتی باشند باید بدانند که همگی دارای منافع مشترك میباشد و هیچ تضادم منافی برای آنها در کار نیست در این صورت ضرر یاشکست یکی موجب خسران و عقب افتادگی دیگری نیز میشود و همبطور بالعکس ، بس اختلافات از آنجاییکه ضرر و منافع آن در همه احوال شامل حال همه میشود منشاء اصلی مناقشات و منازعات خانوادگی نمیتواند باشد مگر برای کسانی که از روی جهل و غفلت در خانواده برای خود منفعتی جداگانه و غیر از منافع مشترك خانوادگی در نظر گیرند .

در این صورت وای بحال آن خانواده ای که از این قبیل افراد عضو آن باشند ، حقیقتاً خوشی و آسایش و آسودگی و آرامش برای يك چنین خانواده ای هیچ منعی و مفهوم خارجی نخواهد داشت . بقیه افراد خانواده جز مرمک یا فرار راه دیگری برای خلاصی خود از چنگال عنفرت یاس و نامرادی و از همه بدتر تزلزل روحی و فکری خود که همیشه آنها را در زحمت میاندازد نخواهند داشت در این موقع آنها هم اگر اشخاصی حساس و متعصب باشند راه فرار نیز بر آنها بسته شده و چاره منحصر بفرود آنها همانا مرمک ناگهانی است که بر اثر تحمل انواع مصائب و درد و االم میباشد خواهد بود .

در هر صورت يك چنین شخصی که اینجا قهرمان داستان ما است مانند میکربی در خانواده خود افتاده و مانند يك دشمن قهار خارجی باعث اضمحلال و نیستی افراد خانواده خود میشود بدون این که هرگز توجه قبح کار خود گردد و همیشه بجهه دشنام میدهد همه را مقرر میخواند .

اینجانب در
قسمت پنجم اینکتاب
چند سطر در

جواب نویسنده دانشمند و محترم
مقاله « زن در عالم یهود » نوشتن
پسرای اینکه اولاً میزان
آشنائی و توجه ملت اسرائیل ایران
نست زن بدست آید و ثانیاً آن
نویسنده ازجمله وادار شوند که آنچه
درمغز باطن خود مانند گنج نهفته
دارند بیرون دهند و ضمناً با حفظ
شرایط تراکت راه انتقاد در بناره
مسائل اجتماعی و ملی برای همه باز شود
که خوانندگان گرامی بداند بایستی
درباره همه چیز خصوصاً مطالب اجتماعی
بحث نمایند .

نوشته اینجانب گرچه ظاهر آ
جواب و انتقاد بوده ولی باطناً جنبه
تقاضا و پیشنهاد را داشته که اولاً نویسنده دانشمند اکتفاء بهمان یک مقاله
نمایند و خوانندگان دیگر هم آنچه میتوانند درباره « ماهیت و کیفیت زن »
بنویسند و بگویند .
ولی متأسفانه لحن بی‌برده و بی‌تکلف مقاله اینجانب بیداد دانشمند
گرامی تند و زننده آمده بطوریکه حقایق مرا حمل بر اغراق گویی نموده
و نوشته اند « بنظر اینجانب در بعضی قسمتها احساسات را بر حقایق غالب
ساخته و بسرحه اغراق هم رسیده اند » مثلاً در یکجا مینویسند
« هزاران زن یافت میشود که دارای ثروت و طول سرشاری هستند که خود
بدست آورده اند » چه اغراقی در این مشاهده میشود اگر گفته شود
که زنانی یافت میشوند که دارای ثروت باشند که بنظر نویسنده دانشمند
گران آمده و برای رد این مدعا حاج رسابه و وره اعیان و اشراف را
مدرك قرار داده اند ؟

اولاً ما درباره زن بطور کلی
بحث میکنیم نه درباره زنان عقب افتاده
ایران اگر نظر نویسنده دانشمند فقط
زنان ایران است پس چرا تورا که
کتابی است جامع و از شرق تا غرب
عالم دردسترس عموم جهانیان است مبنای
بحث و نوشته خود قرار داده اند ؟ اگر
چنین است که بچنی نداریم و قلم رازمین
گذاشته درباره موضوع دیگر فکر میکنیم !
خوب است قدری خارج از چهار دیوار
محیط ایران را نگاه کنیم و ببینیم آیا
زنانیکه دارای سهام بزرگ کارخانه‌ها هستند
وزنانیکه در امور سیاسی و درباره سر -
نوش ملت خود دخالت مینمایند و عضو
پارلمان میباشند زنانیکه استاد دانشگاه
و رؤسای دوایر هستند زنانیکه باست
طبی و قایلگی هزاران فرد را از

باز هم « بیچه گردن » جواب میدهد

در اطراف



زن گرسنه عالم یهودی

از مرك نجات می
میدهند از دسترنج
شهرانشان اصرار
معاش مینمایند و یا وره اعیان
اشراف هستند یا حجاج رباه محیط
خود میباشند ؟
آیا حق اینها از يك حال و
دوره گرد و دلال و يك متحرک (که
مرد هستند) باید کمتر باشد ؟
بطوریکه نویسنده محترم نوشته
بودند مقالات ایشان دنباله دارد و
اینجانب با اتفاق کلیه خوانندگان منتظر
بودیم که متوالیاً در قسمتهای این
کتاب چاپ شود ولی متأسفانه انتظار
ما بدراز کشید .
اینست که اینجانب تصور میکنم
خدای نخواست انتقاد بی مورد !!!
بنده سب کدورت خاطر ایشان شده

که مضایقه روا داشته اند .
بنا بر این اینجانب اولاً برای وادار شدن آن دانشمند گرامی
به تکمیل مطالب سوده مند خود و ثانیاً ایراد بحث بیشتر و تذکر حقایق
زیاد تری (بنظر اینجانب) و نیز برای اینکه پیش از این موضوع به
تأخیر نیفتد و اثر آن از ذهن خوانندگان این کتاب محو نشود میادرت به
نوشتن این مقاله نمودم ولی امیدوارم نویسنده دانشمند از « فضولی يك
جوجه نویسنده » نرنجیده بلکه این یا درازی را حمل بر عدم اطلاع و
بی تجربگی این جانب نمایند نه چیز دیگر . و اما باز هم درباره عدم عجز
زن از کسب معاش و بلکه ثروتمند شدن هم بهتر است چند ساعتی در همین
تهران گردش کنیم و ببینیم زنان قابله و دکتر و خیاط چندر زیاد است و
هریک از آنها روزانه چه مبلغ پول بدست میآورند اگر از خیابان یوسف
آباد عبور کرده باشید البته تابلوی مطب مادام حمزوی متخصص چشم را
دیده اید . تصور میکنید این خانم در
روز چندر ویزیت از مراجعین دریافت
میکند ؟
بهر اینست خوانندگان برای
امتحان . مطب این دکتر چشم رازیارت
زیارت کنند تا بدانند آن خانم میتواند خارج
ده نفر مرد را بخوبی اداره کند .
ولی راجع به اینکه ایراد
شده است که مقالات « زن در عالم
یهود » نتیجه و خلاصه از مباحثی است
که از روی مندرجات تورا در بناره
زن بدست آمده است لازم است فلا
این نکته مسلم را متذکر شدیم بدسراغ بقیه
جوابهارت همانطور که تاکنون طبق افعال
و رفتار افراد اسرائیل ایران حقایق
دیانت اسرائیل و تورا مقدس برای
بقیه در صفحه ۲۲۰

برای زنان

- ۱ - چیزی را که شوهرت از آن متنفر است
تو آنرا دوست مدار .
 - ۲ - ذخیره جویی شمار تو باشد .
 - ۳ - تعریف و تحسین زیاد از مرد غیر ممکن
زیرا شوهرت را بدبین خواهی کرد .
 - ۴ - اگر هم در طول روز مصیبتی بر تو
وارد آمده باشد هنگامیکه شوهرت بغضه میآید بروی
ترش باو نشان مده .
 - ۵ - عیف و باکدامن باش .
 - ۶ - هیچوقت در منزل بیکار نشین زیرا
همیشه کار برای تو مهیا است .
 - ۷ - سعی کن در اولین وهله اخلاق شوهرت را
کاملاً درک کنی .
- (ر . خالبری)

وفانگردن بعهد سبب عذاب زندگان و روح مردگان است

قلم شدت مطبید و نزدیک بود از قفل سینه بیرون جهدی در
بی نفس میکشیدم و بدنم غرق غرق شده بود خیلی هراسناک بودم و اندامم
میلرزید ولی سعی کردم حالت طبیعی خود را حفظ کنم .
دست خود را دراز کرده کلید چراغ را که در کنار رختخوابم
روی میز بود چرخاندم و چراغ روشن شد کاسه آب را تا انتها سر کشیدم
زیرا از شدت ترس زانم خشک شده بود . مادر بیچه ها در اثر روشن شدن
چراغ بیدار شد همینکه مرا با آن وضع آشفته و وحشتناک دید پرسید ترا
چه میشود قادر بادای جواب نبودم فقط اشاره نمودم « ساکت باش »

بهداشتی

چگونه باید غذا خورد

موقع غذا باید مانند کلیه امور دیگر ما مشخص و معین باشد همیشه
در موقع معین صرف غذا نمود ، از خورده خورده خوردن غذا باید جداً
باید پرهیز کرد ، غذا را باید خیلی آهسته و بلالیت خورد و بادندان ها
بخوبی جوید ، مخصوصاً خورا کهای سفت را باید نرم نموده و پس از جویدن
کامل هضم نمود ، بعضی از علمارا عقیده بر اینست که باید غذاهای ساده مانند
آبگوشت را نیز پس از جویدن بلعید تا با بازقهای دهان مخلوط گردد و قابل هضم
شود . هنگام صرف غذا نباید بکارهای فکری اشتغال ورزید ، حتی المقدور
باید از خواندن کتاب و روزنامه خودداری کرد و از مباحث هرگونه فکری
که مخصوصاً منتهی باندوه گردد باید جداً پرهیز کرد ، حتی نباید باندوه و یا
کسالت جزئی خود فکر کرد زیرا ممکن است از جویدن غذا غفلت شود
ولقمه نجویده بلع گردد .
باشنازدگی و بی صبری نباید غذا خورد ، زیرا برای جسم و روح
هر دو زیان آور است ، کسبیکه عصبی و خشنک هستند زیاد تر احتیاج
بآرامش خاطر دارند و باید هنگام غذا بیشتر آرامش طلب باشند .
تا گرسنه نشده اید غذا نخورید ، هنگامیکه میل بقذا ندارید ، بزور
لقه فرو ندهید ، پیش از آنکه بکلی سیر شوید از سر سفره غذا برخیزید
و دوسه لقمه بسیر شدن مانده از خوردن غذا خودداری کنید .
بآرامی صحبت کردن بر سر سفره خوب است ، مشروط بر آن که
سرور آور و نشاط انگیز باشد و از چیزهای معمولی یا فراتر نگذارد ، یعنی
نه آنقدر زیاد باعث خنده گردد که موجب ترك غذا شود و نه هیجان آور
و غم انگیز باشد .

هنگامیکه اندوه فراوان دارید و ساعتی را بگریه و زاری گذرانده اید
بهر آنست که از خوردن غذا خودداری نائید و پس از استراحت کامل و
فراموشی غم و اندوه ، بحالت آرام بقذا خوردن بپردازید در اینصورت
بسلامتی وصحت خود کوشیده اید .
پس از صرف غذا اگر خوراک لذیذی صرف کرده اید ، و بعد
اشاع از آن غذا میل نموده اید از خوردن دسر خودداری کنید و شب ها
پس از خوردن شام بکارهای فکری نپردازید ، زیرا چنانچه فعالیت موقوف
نشود جهاز هاضم نمیتواند بدرستی بکارخوش بپردازد .
زود تر بخواب داخل شوید و هنگام تابستان پس از صرف نهار
اندکی استراحت کنید زیرا هنگام استراحت عمل هضم بخوبی انجام میشود
خوراک شهبارا سعی کنید بسیار سبک باشد و از لینیات باقرا تر نگذارند .
از کتاب هزار و یک اندرز زندگی اقتباس و نگارش شاهی

صورتم را با قدری آب لخنك شستم و بتدریج حالم بجا آمد .
بله جوان رشید و بلند قدی بود دارای چشمان میشی و ابرو
های مشکلی و کشیده در حالیکه سر ایای خود را با لباس بلند سفیدی پوشیده
بود ساکت و آرام با قدم های سنگین بطرف من پیش آمد آثار غم و اندوه
فراوان از سیبای گیرنده اش هویدا بود گونه هایش فرورفته و رنگ و رویش
زرد و پژمرده بود گویا نقاهتی داشت و درد و زنج میرد ابتدا از دیدن
قامت بلند و سفید پوشیده اش ترسیدم ولی همینکه پیش آمد او را شناخته و
با لحن ملایمی گفتم یوسف جان . دوست عزیزم تورا چه شده که چنین پژمرده
و اندوهگینی ؟ جوابی نداد و خیره خیره مرا نگاه میکرد نیدانم چه اثر
و نفوذی در چشمانش وجود داشت که مرا در جای خود میخکوب نموده بود
حتی قادر نبودم چشمان خود را بسوی دیگر منحرف سازم .

ناگهان منظره هولناکی سر ایایم را بلرزه در آورد که اگر چند
لحظه ادامه می یافت ممکن بود از شدت ترس قالب تهی کنم . دیدم چشم
های آن جوان بتدریج بزرگ شد و کم کم از حدته بیرون آمد باندازه ای که
وضع وحشتناکی فضای اطراف را فرا گرفت و مانند دو نور افکن قوی
شعله و نور در اطراف پراکنده نمود . يك مرتبه نعره وحشتناکی از سینه
آن شیخ بیرون آمد فریاد زد ،
« ای ریا کاران . ای دروغگویان . همه ریا کارید . همه دروغگو
هستید . ای دون همتان یست »
بعد بسوی من حمله ور شد و میخواست با چنگالهای ترسناک خود
کلوی مرا بدست آورد و بشارد .

عجز و لابه کرده گفتم « یوسف جان عزیزم . ای آقای جواهری
ای یوسف شیعا من دوست دیرین و من همکلاس ایام طفولیت تو بودم از
من خط و جسارتی نسبت بتو رخ نداده است به التماس گوش
نیداد یایی فریاد میزد « مگر تو شاهد نیستی . مگر تو فراموش کردی
موقعیکه پدرم مرا باین محل فرستاد چه گفتم . مگر در حضور دوست سصد
نفر نگفتم که مرضخانه ای برای شفای روح بسرم و برای شفای قلب
آرزومند و درد مندش می سازم مگر تو آنروز حضور نداشتی ؟ مگر
بنا نشد از محل سرمایه خود من و از پول شخصی خودم مرضخانه بسازد پس
چه شد ؟ حال تو و امثال تو که این وعده را شنیدید و در اجرای آن
نکوشیدید مقصود . من مدتی است مرضم . مدتی است در رنج و عذابم .
اینجا هیچکس بفکر دیگری نیست . زود برو پدرم بگو پس چه شد وعده
های تو . . . پس کجاست آن مرضخانه ای که گفتمی . . . ؟ »

پس از آن مانند اینکه از غضب بسیار خسته شده است نقش بشاره
افتاده و سختی کلمات خود را ادا میکرد و یکباره باناله جانگدازی گریه را
سرداد و گفت « ای پدر بیسروت حب مال دینارا بر راحتی بسرت ترجیح
میدهی و او را در عذاب میگذاری »

منهم از شدت تأثر و هول بگریه افتادم و آنقدر گریستم که از صدای
ناله خود از خواب پریدم .
روح الله خالبری
عالم یهود : این روایا و خواب بخوبی ثابت میکند که حتی
مردگان هم از بد قولی و بی وفائی مردم در زجت هستند و اعتراض میکنند .
خوب است آقای حاج سیبان جواهری شیعا اگر نذری کرده
است برای آموزش و آرامی روح فرزند ناگامش تمهد خود را انجام دهد
تا گفته نشود آنقدر روی زندگان را نگرفت تا مردگان در صدد اعتراض
برآمدند . همچنین اشخاص دیگری که برای امور خیره قولی داده اند
بهر اینست که قبل از حله زندگان و مردگان در صدد وفای قول برآیند !

چرا پسر من بیزار شد

بقلم: «س»

... پسر من آسایان نهار لندی از مرغهای قربانی شده نپه نمود که با کمال میل خوردیم . رفیقم گفت پدرجان قدری از سرگذشت خود برای این دوستم بگو که از تجربیات یک پیرمهربان سقوفاتی برای دینار خود ببرد . پیر آسایان نگاهی بصورت من نمود و آهی کشید و گفت : «فرزندان عزیز من بواسطه کثرت پسر پیر نشده ام بلکه محتبای که بدست خود بواسطه هوسها - و تمایلات شخصی فراهم کردم چنین پیر و شکسته شدم .

من دارای زندگی آبرومند و سرمایه کافی و املاک زیاد وزن و فرزند بودم ، زنم مرد فرزندانم متواری شده و چون نذر از آنها خود کشی کردند دارنیم از دست رفت اینست که امروز در این گوشه بیابان با دوستک وزین چرخان و ثابت آسیاب بسر میبرم . از کجا شروع کنم ؟ ...

قول انگلیسیها به یهودیان

... اما در این اثنا دولت انگلیس از جانب مودت ملت یهود خود داری نیکرد و از طرفی می دانست که بوسیله صیونیت ها و موافقت با مهاجرت یهودیان به فلسطین میتواند بر تسلط خود در فلسطین بیفزاید و از طرف دیگر پشتیبانی یهودیان اروپا را بخود جلب نماید و بهین جهت دو یاد داشت تاریخی و مهم از طرف انگلیس انشار یافت که در حقیقت میتوان آنرا بمنزله قول رسمی دولت انگلیس برای ایجاد یک کشور مستقل یهود در فلسطین لقبی کرد .

از تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۱۶ یادداشتی تسلیم سائوتف وزیر امور خارجه روسیه نمود و طی آن تأیید کرد که دولت انگلیس حاضر است بعضی اینک مهاجرین یهودی در فلسطین باندازه کافی رسید امور داخلی فلسطین را به یهودیان واگذار کند .

از طرف دیگر روز دوم نوامبر ۱۹۱۷ بالفور وزیر معروف انگلیس امای به روچیلد نگاشته و طی آن تأیید کرد که دولت انگلیس موافق با ایجاد یک کانون ملی یهودی در فلسطین با حفظ حقوق مدنی و مذهبی اعراب میباشد و این نامه بعداً تبدیل به اعلامیه بالفور گردیده و در اساسنامه فلسطین قید گردید .

«از روزنامه کیهان»

اول از پسر بزرگم میگویم زیرا حرفهای او را گوش نداده و احساسات او اهمیتی ندادم . سر بزرگم از طفولیت ذوق فراوانی بخواندن داشت با این که پیش از سه سال نداشت همیشه کاغذ و کتاب زیر پندل میگذاشت و بمدرسه رفتن را تظاهر مینمود . آه ! آه از نادانی من و از نادانی پدرانی مانند من .

در آن زمان که امروز سی سال از آن میگذرد نمیتوانستم بفهمم که پسر ذوق و استعداد طبیعی خود را ظاهر میسازد و من تصور میکردم اینهم جزه بازیهای کودکان است .

دلبستگی و علاقه که بطولم داشتم از حد اعتدال گذشته بود و پشایه عشق رسیده بود . بزرگ شد و او را بمدرسه فرستادم شوق و عشقش بدرس باندازه بود که شب و روز کار میکرد و من نگران بودم که مبادا سلامتی پسر من شدت مطالعه گزندگی وارد شود .

منتظر بودم که بسن بلوغ برسد و او را از تحصیل باز دارم و برای مباشرت و سرپرستی املاک بدهات فرستم . هر وقت صحبت از ترک تحصیل پسر من میان میآوردم فرزندم سخت اعتراض میکرد . از با فشاری پسر من برای تحصیل که مخالف میل من بود در عذاب بودم بتدریج میل من برای ترک تحصیل پسر من و عشق او برای ادامه تحصیل به مشاخره کشید او بادلایلی بمن ثابت میکرد که مهمترین وظیفه پدر تربیت فرزند است و میگفت اگر پدری نان و لباس به پسرش ندهد بهتر است از اینکه او را از تربیت و تعلیم محروم کند .

بدیخانه من بچرفهای او بادیده تمسخر مینگریستم و میگفتم من پسر بزرگ کرده ام که روزی بدردم برسد بزرگ نکرده ام که برای خودش تربیت شود .

آه از این منطلق غلط که هزاران خانواده را بروزسیاه می کشاند ، خیلی از پدرها هستند که تصور میکنند فرزندانشان

مستول آنها هستند و متوقع هستند که بسراشان فقط محض آسایش آنها بزرگ شود غالب از اینکه طبق قانون طبیعت اولیاء باید برای فرزندانشان خود فکر کنند زیرا اگر خوب دقت کنید خواهید دید تمدن و ترقیات جهان روی پایه تجربیات گذشتگان است و ما امروز نتیجه عمل اجداد خود را در دست داریم کاری کردند و تخمی کاشتند و رفتند ما متوقع هستیم که گذشتگان اثرات و تجربیات نیک بسرای ما بیجا نهداده باشند نه اینکه ما برای آنها تجربه بدست آوریم زیرا نمر اعمال آنها شامل احوال ما خواهد بود چون ما بعد از آنها بوجود آمده ایم ولی کارهای ما با آنها سروکاری نخواهد داشت زیرا آنها رفتنند و ما نیز در برابر آیندگان دارای همین احوال هستیم یعنی ما مجبوریم نتایج خوب برای آنها بیجا بگذاریم و برویم یعنی در واقع ما برابر آیندگان مستول هستیم ولی آنها موظف مستول ما نیستند

بدیخانه من این نکته مهم اجتماعی را نپیدانستم و میخواستم پسر من مطابق ذوق و میل و سلیقه من رفتار کند و نمی دانستم که من برای زمانی بوجود آمده بودم غیر از زمان فرزندم من برای دیروز بودم ولی پسر من برای فردا بود من میکوشیدم که او را برای زمانی مانند دیروز خودم تغییر دهم و هر قدر میکوشیدم موفق نمیشدم پسر من میگفت «پدرجان مرا از تحصیل علم باز مکن زیرا دنیای فردا بجز دنیای دیروز و امروز است تو پدر من هستی و مسئولی که مرا برای فردای خود و فردای جامعه تربیت کنی نه برای امروز خودت فرزند بیچاره ام با تضرع میگفت «من دارای استعداد ذوق دیگری هستم که تو هنوز بآن پی نبرده من باید در پی دانش و هنر بروم نه در بیابانها و دهات برای سرپرستی املاک و دارائی تو . این دارائی قابل فنا است ولی دانشی که من در عقب آن میروم برای همیشه جاوداست .»

آه ! آه عزیزانم من در آن روز با دیده تحقیر بصحبتهای پر از حقیقت پسر من تماشا میکردم و بااستناد اینکه بدرحق بگردن فرزندم دارم و فرزندم مجبور است از پدر اطاعت کند ، میخواستم ماهیت او را بیل خود دعوی کنم و او را با آنچه که مخالف استعداد او لیاقت و خاصیت او است وادار نمایم .

عاقبت کار ما از مشاخره بجداله و از مجادله بستیزه دائمی خانواده می کشید و کلیه وسایل ادامه تحصیل علم را از دسترس پسر دور کردم و او را عاق نمودم .

باوجود این پسر من علاوه خود را نسبت بخانواده من کم نکرده و در تربیت برادران و خواهرانش خوب دخالت میکرد امروز منمهم که پسر من درست فهمیده بود .

ولسی من نسبت بدخالت او اعتراض میکردم و در حضور برادران و خوهران کوچکش پاوی بی احترامی و توهم مینمودم .

ولی او با کمال تأثر میگفت « پدر جان خیلی متأسفم که روزی آگاه خواهی شد که خانواده ات از هم پاشیده شده است و خودت را تنها و بیچاره خواهی دید » در نتیجه مجادله با پسر فرزندانش دیگرم برای او احترامی در نظر نداشتند برای حفظ حیثیت خانوادگی و احترام پدرش پسر من در حدود دوری از خانه من برآمد ولی چون باز او را دوست میداشتم راضی نمیشدم و سخت اعتراض میکردم و میگفتم چه پسری از پدر و مادر خود دوری میکند ؟

رفتار من در خانه بسیار خشن بود و میخواستم کلیه جریان اوضاع داخلی و خارجی بمیل من باشد بازم با کمال خشونت رفتار میکردم و در حضور فرزندانش با ناسزا میگفتم میخواستم دخترانم بی نهایت ساده و چشم گوش بسته بار آیند که در موقع لزوم بهر کس میخواهم بتوانم شوهرشان دهم سعی میکردم از طفولیت پسران دیگرم را نسبت بمدرسه و تحصیل متفر کنم که مانند پسر بزرگم بمن چیره نشوند یعنی میخواستم که کاملاً نادان بار آیند که اگر هر یک از آنها را بهر کاری دلخواه خودم باشد بکارم . و بیشتر تحصیل پول و ثروت مورد نظرم بود میخواستم بهر عنوان و شکلی شده فرزندانشم پول بدست آورند . بواسطه روش غلط من پسر بزرگم در حدود مبارزه بر علیه من برخاست و صراحتاً گفت «تو پدر من هستی و احترام پدر بودنت بجا است ولی وقتی که میبینم بواسطه راحتی وجود خودت سبب بدبختی برادران و خواهرانم را فراهم میکنی ناچارم مبارزه کنم »

در نتیجه غلظت من نظم داخلی خانواده ام از بین رفت و من فکر نمیکردم که علت اصلی بریشانی خانواده ام خودم هستم و توقعاتم را کم کنم .

بالاخره پسر ناچار شد مدرسه را ترک کند در آن موقع ۱۸ ساله بود . چند شبی بمنزل نیامد هر وقت بخانه وارد میشد با مشاخره و مجادله داخلی رو برو میشد دیگر با من صحبتی نمیکرد . هر وقت پیام یا دستور خانوادگی داشت بوسیله مادرش میگفت ، روزی رو بمن فرزندانشم کرد و گفت «میدانم بواسطه اخلاق پدرم و غلظت مادرم این خانواده روی سعادتم نخواهد دید ای برادران و ای خواهران عزیزم چاره از دست من در رفته است میروم برای شما فکر کنم شامه برای خود فکر کنید زیرا این پدر و این مادر فرزندان خود را برای آسایش خودشان پرورش داده اند گمان می کنم مرا باین زودی نبینید » من با حالت غضب او را تمسخر کردم . از خانه بیرون رفت و دیگر از او خبری نشد «ولی چندی قبل شنیدم در یکی از بلاد دور دست با دو برادر و دو خواهر خود بسر میرد»

گورش کبیر

فتح بابل !!؟

آینده قوم یهود

وضعیت کنونی قوم یهود و قوت آنتی سمیتسم

بدیخانه ترقی و پیشرفت علوم در تغییر اخلاق و روحیه انسان بی تأثیر میباشد و بایشرفت انسانی و تکامل انسانیت یکسان پیش نمیرود .

از این گذشته ملل امروزه از کلیه خواص و اثرات برجسته ترین اکتشافات علمی خود برای نابود کردن نوع بشر استفاده میکنند . مکتشفین اخیر « علوم شیمی ، مکانیک ، معرفت الجو و علم الحركات » از طرف ملل متبوعه خود برگزیده و مأمور میشوند هر قدر ممکن است علوم خود را در راه از بین بردن انسان نوع خود (هر چه بیشتر بهتر) بکار برند . آبا جهانیان بر اثر صدمات و وحشت واضطراب جنک گذشته این عبرت را گرفته اند که برای رفع هر گونه تصادمات مادی و منوی و اختلاف منافع خود به دادگاه عالی صلح عمومی مراجعه نمایند و اسلحه خود را برای همیشه بزمین گذارند ... قطعاً بروز حوادث شرم آوری در این باره پاسخ منفی باین برش میدهد و لذا باید دید که هنوز چقدر ما از نسخ کامل کشتارهای بین المللی و هم نوع کشی بدوریم .

از یکطرف ککک - مال و دادگاههای « برای برقراری صلح در بین جهانیان و جلوگیری از هر گونه تعرضات و بی عدالتیها ایجاد میکرد از طرف دیگر تعبیرات جنگی در دریاهای خشکی ها ادامه مییابد ، تکمیل و تقویت نیرو های هوایی و نظامی که در ظاهر برای آرامش و ایمنی جهان در برابر جنگهای آینده اعلام میشود ولی در حقیقت برای ارتش کار میکند ، در زمان جنک نیز مانند خود جنک آوران مطیع و منقاد بمباردها های هوایی میکنند .

در آزمایشگاههای شیمی دانشمندان جمع شده با تحقیقات و تفحصات دقیقانه خود میکوشند تا وسائل تازه و مؤثرتری بیابند که در عین حال وسعت و سرعت عمل بیشتری نسبت بجنک گذشته در تخریب و ویرانی و هم نوع کشی داشته باشد . همین قدر که نفرت بین المللی معوض شده است معلوم نیست بچه علنی این حس نفرت مابین طبقات مختلف یک اجتماع و یا نفرت مذهبیون و غیر مذهبیون حتی در بین افراد یک ملت بر طرف نمیشود .

همان کیفیت اخلاقی که بیک نفر فرانسه ای ، اسکلیسی ، ایتالیایی اجازه میدهد در میدان جنک بکنند آلمانی را بکشد و یا با بمکس بیک نفر آلمانی اجازه میدهد انباشد جنس خود را که متعلق بملت دیگری است معدوم نماید ، همان حالت اخلاقی نیز بیک نفر امریکایی متحده شمالی اجازه میدهد هم شهری سیاه پوست لنشری Lyncher خود را بدون هیچ علت و منطقی بقتل رساند و نیز همان حالت اخلاقی بلبل متبوعه عالم حکم میکند که یهودیان سامی را مورد شکنجه و عذاب و تهدیدات جانی و مالی قرار دهند . البته ملت خطاهای او بلکه بیشتر بملت آن حس رقابت و همچوشی که آنها را برای تنوق و پیش افتادن در امور تجارت و صنعت و علوم بر میآنگیزد .

تا زمانیکه این رقابت منتهور و نجس بشری ، این جنک نامتناسب انسانی و این منازعات پر دامنه (که هرگز بمنظور کسب ثروت از راه مشروع و منبع طبیعی نیست بلکه برای ربودن مال و ثروت همدیگر میباشد) بر علیه هم کاملاً خاتمه نپذیرد و تضمین و همکاری کلیه ملل در اجرای اید آل « صلح - کار - ترقی » جایگزین آن نگردد و تا موقعیکه این کیفیت اخلاقی انسانی کاملاً تغییر نیابد و حس نفرت و بدبینی عمومی جای خود را به حس مسئولیت مشترک و عمومی ندهد و در حقیقت حس برادری واقعی بین افراد ایجاد نگردد ، مرام ضد سازی بودن ادامه خواهد یافت تا آنجائیکه روح توده مردم و گاهی هم اشخاص دانشمند و دولتمندان را نیز مسموم نماید !

در این صورت قوم یهود برای تأمین آتیه و حیات خود ناگزیر خواهد شد بتبیه و وسایل دفاعی پرداخته و خود را برای روز مبادا آماده نماید .

تویسرکان

فرستنده - آقای یعقوب رحیمی

نوس - این شهرستان دارای ۷۵ خانوار است که عبارت از ۵۰۰ نفر میباشد و ده خانوار آنها دارای سرمایه مکفی و بجاه خانوار وضعیت مالی آنها متوسط و ۱۵ خانواده دیگر از طبقه سوم میباشد و شغل اکثر آنها بزراعی، خرازی و دوره گردی می باشد .

فرهنگ - در این شهرستان دبستانی بنام اتحاد وجود دارد که شش کلاس میباشد و دانش آموزان آن عبارت از ۲۴ دختر و ۴۶ پسر میباشد .

امور اجتماعی - امور اجتماعی و اداره نمودن مدرسه بوسیله انجمن بنام کمیته تویسرکان اداره میشود و هزینه مدرسه بوسیله کمک مالی که از مردم محل جمع آوری و اداره میشود بهداشته - وضعیت بهداشتی آن رضایت بخش میباشد و فقط در دبستان بر طبق برنامه وزارت فرهنگ ورزش مینمایند .

هالم یهود - اطلاعاتی که از تویسرکان رسیده کامل نبود ما از سایر شهرستانها نیز منتظریم که اطلاعات جامعی از اوضاع معلی و فرهنگی و بهداشتی خود برای ما بنویسند .

بقیه از صفحه ۲۱۶

باز هم بچه کرد جواب میدهد

ما مکشوف نشده است و هنوز برای کسب حقیقت از دیانت خویش که بتوانیم خویش را در طریق ایمان و زندگانی بی آرایش سالک کنیم آواره و سرگردان هستیم . همانطور هم چون زن يك موجود فوق العاده مؤثر و مرموزی است و گاهی در دیانت اسرائیل جنبه منهدی بخود میگردد هنوز اسرار او بر ما کشف نشده و نمیتوانیم ادعا کنیم که او را شناخته و آنچه شایسته اوست از روی تورا بگوئیم و بنویسیم .

باین دلیل اگر حقا در جامعه اسرائیل ایران شناخته شده بود و اهیتیکه منهد اسرائیل برای او در نظر گرفته است میدانستیم میبایستی از این جمعیت هشتاد الی یکصد و بیست هزار نفری اقلا پنج نامه تنقید یا تقریظ آمیز رسیده باشد !

همین سکوت خوانندگان عالم یهود نسبت بموضوع زن خود دلیل بر عدم شناسایی این موجود اسرار آمیز و مقتدر برجامه بشری است .

اگر نویسنده دانشمند مدعی است که مبنای بحث خود را تورا قرار داده است اینجانب نیز پیرو عقیده و روش ایشان هستم برای اثبات عدم تساوی حقوق زن و مرد این آیه از تورا را که میگوید « شوهرت بر تو مسلط خواهد بود » دلیل آورده اند .

البته منکر این امر نیستم ولی باز هم نمیتوان این آیه را دلیل بر امتیاز حقوق مرد بر زن دانست زیرا دیده میشود که در بعضی از وزارت خانه ها یا بنگاهها بواسطه احتیاج میرمی که يك نفر متخصص دارند امتیازاتی برای او قائل میشوند که میتواند بیش از رئیس خود حقوق دریافت دارد در حالیکه این شخص متخصص تابع اوامر و دستورات مافوق خود میباشد

اکنون برای حفظ انتظام اجتماعی زنها از آزادی هائی که مرد در خارج دارد محروم نموده اند و او را مأمور تشکیلات داخلی خانواده ها قرار داده اند اگر بنا بود که زنهم مانند مرد ها کاملاً مجاز باشد که بکار های خارجی دست زندیس کی مسئول تربیت و رشد اولیه جامعه میشد ؟ پس چه کسی فرزندان خانواده ها را تربیت میکرد ؟

روای شیرین

ایستاده بود ، خود را بدامانش برتاب نمودم اما افسوس که حال وی بی شباهت بر سراب نبود و هر چه بوی نزدیک میشدم او نیز جای خود را تغییر میداد . دهانم از حیرت و تعجب باز مانده بود ، میخواستم پرواز کنم و خود را بدامان وی افکنم ، ناچار در جای خود ایستاده و بدو مینگریستم .

او باز لیخنه میزد ، باز بمن اشاره مینمود و باز هم مرا بسوی خود دعوت میکرد . دیگر بار باو نزدیک شدم اما چه سود . کسی آنطرف تر ایستاده بود لبخندی زد گفت مگر نیتدانی که من نمیتوانم بسوی تو آیم .

رفیقی که با من بود مرا تکانی داده گفت : ترا چه میشود ، چرا اینطرف و آنطرف میدوی . باسغش دادم که او نیز اینجا آمده است و پرتقال بزرگی را نیز در دست دارد ولی هنگامیکه خواستم او را برقیقم نیز نشان دهم از نظرم غایب شده بود .

برقیقم گفتم : اکنون رفته است اما چهره زیبا و لیخنه های دل نشین او ، نویده های مسرت بخش و دعوت او ، خاطر اترات شیرین و اشاره های او هیچگاه از نظرم محو نخواهد شد -

با استفاده از خواص و مزایایی که در وجود زن یافت میشود همانطور که قبلاً گفته شد کارهای مربوط بهجامه بشری را دو قسمت نموده داخلی را زن و خارجی را مرد محول نموده اند و در این تقسیم بندی زن را محکوم بحرومیتها نوده اند که آن محرومیتها دلیل بر کمی حقوق او نیست بلکه در مقابل این فداکاری که زن از خود نشان داده است و حاضر شده است آزادی نسبی خود را فدای تربیت جامعه کند بایستی امتیازی برای او قائل شد و آن امتیاز برتری یا اقلا تساوی حقوق زن با مرد است .

اگر نویسنده ارجحند تسلط مرد را بر زن مدرک قرار داده است خوب است چند آیه پائین تر را مطالعه میفرمودند که گفته شده است « و آدم نام زنش را حوا نامید زیرا مادر کلیه زندگان است » آیا ظالمانه نیست بگوئیم زنیکه از بطن خود زنده ها را بوجود میآورد و دارای حق مادری است نسبت بکلیه زندگان حقوقش کمتر از مردها باشد ؟ اگر بخواهیم معنی باطنی زنده را تشریح کنیم . زنده بر افرادی میگویند که دانا و توانا بوده دارای فرهنگ و تمدن و استقلال و حاکمیت باشند چنانچه بخواهیم زنده بودن را بجز این بدانیم و خوردن و راه رفتن و نفس کشیدن را دلیل زنده بودن قرار دهیم هزاران افراد وحشی با شرایط فوق سراغ داریم که وجود و عدم وجود آنها تأثیری در جامعه نخواهد بخشید . بنابراین مقصود از زندگان افراد و ملل متدین و برجسته است . حال چقدر بی انصافی است برای موجودیکه بوجود آورنده و ایجاد کننده تمدن و ترقی جامعه است حق کمتری تعیین کنیم .

خوانندگان عزیز و نمایندگان محترم

کتاب عالم یهود

منتنی است من بعد کلیه نامه های خودتانرا فقط بآدرس زیر ارسال فرمایید . تهران - خیابان چریل - کوچه گل کار شماره ۷

جلسه همگانی انجمن روحانی

در تمییز دعوتیکه قبلاً از طرف انجمن روحانی بعمل آمده بود در روز ۵شنبه ۱۹ مهر ۲۴ مطابق ۵ خشوان ۵۷۰۶ ساعت ۷ بعد از ظهر عده کثیری در کنیسی حیم حضور بهم رسانیدند بدو آقای سلیمان حیم رئیس انجمن نام برده نطق مفصلی ایراد و مناظره توضیح دادند که منظور از دعوت اشب اولاً

کسب اجازه از مؤسسن انجمن برای توسعه مراسم خود که رؤس آن ها جلوگیری از خرافات و موهومات است میباشد ثانیاً تقویت هیئت مشاوره و تجدید انتخاب هیئت عامله میباشد .

سپس از طرف آقای شامو کهن صدق دائر بلزوم تقویت انجمن و جلوگیری از خرافات و آقای سالمزاده راجع به اهمیت روحانیت و مسئولیت آن در برابر جامعه و وظایف سنگین تر آن نسبت بانجمن های دیگر و لزوم ترویج هر مراسم بوسیله نشریه و معرفی عالم یهود برای این کار که کلیه افراد اسرائیل ایران بتوانند بهره مند گردند تذکراتی دادند .

سپس شروع بانقلاب هیئت مشاوره و عامله که عبارت از عده ای از کارکن سابق و چند نفر دیگر که جدیداً انتخاب شدند گردید ، در ساعت هشت و نیم مدت یکربع تنفس داده شد در این موقع آقای حنیاملامد که بعنوان عضو هیئت عامله انتخاب شده بودند نطقی دایر بر اینکه هرگاه هر یک از افراد ملت اسرائیل روزی اقلا نیم ساعت از وقت خود را مصروف امور ملت نمایند . این ملت مدارج عالی تری را طی خواهد نمود و بنسبیت عضویت عالم یهود عذر خود را از عضویت در انجمن روحانی تقاضا نمودند . در آخر جلسه آقای موره مطالبی در اطراف لزوم داشتن هسته مرکزی و لزوم پیروی از اوامر صادره از طرف آن هسته اظهار داشتند و جلسه در ساعت ۹ و نیم بعد از ظهر باقرائت سرود ملی خاتمه یافت .

از برای یهود

اخیراً در بعضی از مراکز عمومی و منازل ما صندوقهای بنام انجمن یهود دیده شده است از توزیع کنندگان صندوق های نامبرده خواهش نمودیم اولاً خود را معرفی و ضمناً معلوم نمایند که وجه حاصله از این راه بچه مصرفی میرسد .

نمایش جزای روزگار در شبهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه نمایش ترازدی موسوم به «جزای روزگار» از طرف هنرپیشگان یهود بفتح تأسیس

کارگاه نجاری در سالن سینما تاتر فرهنگ داده شد . با چشم پوشی از بعضی معایب قابل اصلاح برای اولین بار هنرپیشگان یهود استعداد قابل تقدیر خود را که باعث امیدواری است نشان دادند بطوریکه هر يك از آنها دل خود را بحدی طبیعی و خوب ایفانمودند که اکثر تماشا چیان از منظره و موضوع نمایش متأثر شده و بی اختیار بگریه در آمدند نکته قابل اعتراض اینکه : دسته موزیک که از طرف تاتر فرهنگ برای دوشب تعیین شده بود در مواقع لزوم از نواختن خود داری کردند . پس از پرخاش هیئت هنر پیشگان یهود و تحقیقات لازمه معلوم شد علاوه بر گرایه و اجر تیکه طبق قرار داد میبایستی از هیئت هنر پیشگان یهود دریافت شود دسته موزیک تقاضای پول کرده است .

ما باین قبیل روشهای خارج از وظیفه و تراکت سخت منرضیم و میگوئیم يك مرجعی بنام تاتر که مدعی است برای اصلاح جامعه کار میکند چرا علاوه بر تمهد خود وجهی در خواست نموده است و اگر حقاً درخواست ییموردش رده شده است چرا با عدم اجرای وظیفه خود سبب خرابی و از بین رفتن زحمات دیگران میشود ؟

تنهاراه نجات ملت یهود اروپا باز گشت به فلسطین است

اجازه بازگشت جوانان مسیحی هیتلری فلسطین - کمک بانجمن کدیمیان هلند - دولت شوروی باهاجرت یهودیان مخالفت نمیکنند - نصب يك منبع بزرگ روی رود فرات - برقراری سرویس دریائی بین نیویورک و حیفا - تأسیس کارخانه آئومبیل سازی - روزنامه های انگلیسی و وضع اسف انگیز یهودیان لهستان - مسرت از اقدامات آرومن - برکناری از مجلس سنا برای دفاع از آمال صیونیستها متواری بودن سه هزار یهودی - تجدید روابط تجارتنی - جشن چهلمین سال دبیرستان هر متصل

را دزدیده و یا پنهان نموده اند دعوت نموده است که اسامی آنها را بدولت بدهد و متخلفین محرم شناخته شده و بپرداخت جریمه نقدی محسب از يك الی چهار سال محکوم خواهند شد وضع این قانون فقط بمنظور آنست که از طرف انجمن کدیمیان هلند تعلیمات عبری به بچه های مزبور داده و آنها را تربیت نماید و از طرف دولت هلند بانجمن نامبرده کمک مالی نیز میشود

لندن - آژانس بلکور خبر میدهد بموجب اطلاعات واصله از معائنات یهود لندن دولت شوروی هیچگونه مخالفتی با مهاجرت یهودیانیکه در ممالک متفرقه تحت نفوذ شوروی زیست مینمایند بعمل نخواهد آورد و اتخاذ این تصمیم بر اثر آنست که مسئله یهود پس از آزادی ممالک متصرفی حتی در لهستان باعث اشکالات فراوانی برای دولتها شده است و توافق نظر دولت شوروی با نظریه صیونیست جهانی روی همین اصل است زیرا اکثریت باز ماندگان یهود لهستان تقاضا دارند که به فلسطین مهاجرت کنند

تلایو - بلکور از تلایو خبر میدهد که کبیر عالی فلسطین اعلام داشته است که دولت فلسطین به جوانان مسیحی هیتلری اجازه بازگشت فلسطین را داده است ولی ورود آنها ناشی از اشتباهاتی است که از طرف مقامات نیروی متقین در ناسابل بعمل آمده است

تلایو - خبر نگار ها ارس - اطلاع میدهد برونسور «سپیل روت» مورخ معروف که از بازدید عده ای از ممالک آزاد شده باز گشته است اظهار نظر نموده که بازماندگان یهود هیچگونه امیدی برای اقامت در موطن اولیه خود ندارند و بیکانه امید آن ها فلسطین است و نیز اضافه نموده است که برای ملت یهود اروپا جز بازگشت بفلسطین هیچ راه نجات دیگری وجود ندارد ژنو - دولت هلند نانولی وضع نموده و طی آن کلیه اشخاص و مؤسساتی که بعد از تصرف هلند بدست نازیها اطفال یهودی

مسابقه زیبا ترین کودکان



موسیک - یکسال ونیم - متولد
از تهران - فرزند لوا سلودسکی
زیبا ترین کودک يك كلدان نقره جايزه
داده میشود.



فریاد و جار و جنجال مردم بعد اعلان
رسیده بود. سلطان هم با وزیرانش در میدان
منتظر آمدن یعقوب بود، یعقوب پیش
آمد پسوی سلطان رفت و ایستاد، هر
چقدر مأمورین سلطان بر دم فرمات
سکوت میدادند صدای طبلن آنها بیشتر
میشد عاقبت یعقوب رو بر دم کرده
تقاضای سکوت نمود فوراً سکوت مرم
باری فضای میدان وسیع را گرفت فقط
کلاغ شومی روی چوبه دار گاهی صدای
میکرد و بر میزد،

سلطان یعقوب گفت: بر طبق
تهدیه که سپرده ای باید تا امروز انکشترا را بما تحویل دهی و چون موفق
نشده ای جزای تو چوبه دار است!
یعقوب در حالیکه لب خند تسخیری بر لب داشت گفت: اینها صحیح ولی
چون بی گناهم گمان نبرم کشته شوم.

سلطان با قهر زیاد گفت: الان خواهی دید چگونه ریسوان دار کلویت را
نشار مبدهد و فوراً امر داد آنرا بطرف چوبه دار ببرند. یعقوب با بی اعتنائی
زیاد خنده بلندی کرد و
در حالیکه دست در جیب
داشت گفت:

ترجمه کنید
تجربیه

שמעון וְלִי הָיוּ חֲבֵרִים זֶה לָזֶה. בְּאוֹ שְׁנֵיהֶם בְּבֵית הַסֵּפֶר
שָׁעָרִים. שְׁמֵעוֹן הָיָה רָעֵב, כִּי לֹא הָיָה בְּבֵית הַחֲרָיוֹ לֶחֶם בַּיּוֹם הַהוּא;
וְלִי לֹא יָדַע אֶת הַפֶּרֶק, שֶׁקָּמְדוּ הַמּוֹרֵה אֶתְמוֹל בַּסֵּפֶר.
רָצָה לָרֹץ, כִּי פָנִי שְׁמֵעוֹן חֲרָיִם. אָמַר לוֹ: אֲפֹשֶׁר רָעֵב אֲתָה?
הָא לָךְ מַסְתֵּי. יֵשׁ בִּי לְשֹׁנִינָה. אָבֵל שְׁמֵעוֹן וְשָׁבַע, וְלִי יֵשׁ עֶצֶב
עַל סִפְרוֹ. אָמַר לוֹ שְׁמֵעוֹן: רְצוֹנָךְ? אֲשַׁנֵּן לָךְ אֶת פִּרְקֶךָ עַד
שֶׁיָּבֵא הַמּוֹרֵה.

شعبه شניהم و همو را از کتب عبری
کتاب عالم بود. بنظور توسعه فرهنگ عبری منتخبانی از کتب عبری را
برای ترجمه درج مینمایند و بنظر از کسانی که بهتر از همه ترجمه نمایند بهر کدام ده
قسمت از کتاب عالم بود بعنوان جایزه داده میشود.

قسمت ۱۳۶ این کتاب
را روزه شنبه آینده
از روزنامه فروشها
خریداری فرمائید.

«بقلم حنیئا هلمد»
قصه برای کودکان

یعقوب حق داشت وحشت زده و متعجب شود
زیرا انکشترا، همان انکشترا سلطان بود که ماهی
آنها بلبیده بود.
فردای روز بعد در میدان بزرگ و وسیع شهر
همه و جنجالی بر پا بود در قیافه ها عصبانیت و انزجار
سختی دیده میشد، همه یکدیگر را و یکصد میگفتند،
خیر! خیر! نخواهیم گذارد این جنایت بزرگ صورت
عمل بخود بگیرد، اگر هم کشته شویم او را نتایجات
خواهیم داد.

هر کس چشمش بچوبه دار که وسط میدان
مانند عفریت زشت مرم ایستاده بود میافتاد بی اختیار
اشک از چشمش جازی میشد و میگفت: بیچاره بیگناه
را بدون تقصیر میخواهند از بین ببرند.
مأمورین سلطان نزد یعقوب رفتند و او را برای
رساندن بجاییش که انکشترا سلطان را کم کرده است
از منزلش بیرون آورده و برای پیدان اعدام پیش
انداختند.

کثرت مردم و صدای شیون و زاری آنها
بقدری بود که اغلب از محبتی که یعقوب نزد مردم داشت
مات و مبهوت شده بودند.
بیشتر جوانها و آنهایکه شجاعت و مردانگی
شان از دیگران بیشتر بود با مشتهای گره کرده و
عصبانیتی بی نظیر جلو مأمورین سلطان را میگریختند
و فریاد میزدند:

اگر یعقوب زنده نماند، با انقلاب و شورش
سخت که نظیر آنرا تاریخ ندیده است، کلیه اموال
و اثاثیه و فایمل و حتی خود سلطان را آتش میزنیم
و انتقام یعقوب بیگناه را خواهیم گرفت!

ولی مأمورین سلطان
بی اعتناء بگفتار و تقاضا
و حتی زاری و خواهش
مردم یعقوب را بطرف
میدان اعدام میبردند،
اما یعقوب برخلاف مردم
بزندگی امیدوار بود و
میدانست خدای بزرگوار
وسایل نجات او را مدتی
است فراهم آورده است
و در دل بفرهنگی مردم
آفرین میگفت:
میدان اعدام ازدور
سلام شد، یعقوب قدم
قدم بطرف چوبه دار
پیش میرفت، شدت

خوانندگان گرام

در ترویج مرام ملی
خود با ما کمک کنید و هر
روزی یکی از دوستان آشنایان
خود را بخرید قسمتهای
مرتب عالم بود تشویق نمائید

سافرت اخیر خود با آلمان مراجعت نموده اظهار میدارد که تصور
میروید بقایای یهود پس از ناخوشیها محرومیت هائی که اخیرا در پاره
آنها مشاهده شده دیگر اثری از آنها باقی نخواهد ماند - عجالتا
نهایت لزوم دارد که فوراً آنها را از بازداشتگاهها خارج نمایند.
تل آویو - کانون - بیچ و استغلام، که اقدامات بسیاری
در حق خانواده اشخاصی که بسیج شده اند یا از طرف نازیها شپید
شده اند بعمل آورده فعلا از روز تاسیس خود تا کنون ۲ میلیون و
نیم لیره از میان ایسرانلهای فلسطین جمع آوری نموده و از این پس
تمام کوشش خود را متوجه جلب مهاجرین جدید خواهد نمود
رم - بناسبت سال جدید یهود باب اعظم افسران و
سر بازان یهودی را که جزء نیروهای متعین بودند و ضمن آنها نگرانی
از ایسرانل فلسطین دیده میشوند پذیرفته و شرحی درباره فجایع ضد
یهودی نازیها بیان نمود سپس سال نورا بتمام یهودیان تبریک گفت
ژنو - از وین خبر میدهند که برای اولین دنه در تاریخ ارتش
سرخ بانسران و سر بازان یهودی پادگان پایتخت اطریش بناسبت
عید اول سال اجازه تعطیل داده شده است

بحران فعلی فلسطین از اع یهودی و عرب نیست

پاریس - بقرار خبرگزاری فرانسه بن گورین رئیس اجرائیات
سوختن یهودیت در انجمن روزنامه نگاران گفت که بحران فعلی
فلسطین نزاع یهودی و عرب نیست بلکه جدالی است که بین یهودیان
و حکومت بریتانیا در گرفته است.

فلسطین جزو امپراتوری بریتانیا نیست و بالتبع کلیه مال
متفق بویژه فرانسه که از جمله دولتهای بزرگ است در مسئله فلسطین
ذینفع میباشد.
نامبرده بسخنان خود ادامه داده گفت که سیاست حزب
کارگر انگلستان از بیست و هشت سال پیش پیوسته از تمایلات و
مساهی یهودیان در فلسطین جانبداری کرد.

اکنون چنانکه شنیده میشود دولت اتلی گویا قصد دارد
که مفاد کتاب سفید را با تمام آراء منور جامعه ملل و حزب کارگر
و حتی چرچیل بود اجرا کند علاوه بر این چرچیل در آغاز جنگ بما
وعده داد که راه حل صحیح و مناسبی در پابان جنگ برای یهودیان
در نظر گیرد.
یهودیان هرگز سیاست غیر قانونی و غیر اخلاقی کتاب سفید
تن نخواهند داد و گو اینکه دولت انگلستان بزور توسل جوید
بن گورین در پابان چنین گفت که فلسطین سرزمین مقدس اعراب
نیست و صحبت از جهاد اعراب بمان اندازه سخیف است که در این
روزها صحبت از جهاد مسیحیان بیان آید.

پیشنهاد دادن منجوری به یهودیها
ژابو نیها بطور غیر رسمی به متفقین پیشنهاد کرده اند حالا که
سرزمین منجوری از دست ما بیرون رفت و مقرراتی که دیگر دست
ما بآن سرزمین نرسد خوب است که موافقت کنید که منجوری بیای
فلسطین میهن ملت یهود و کشور تمام یهودیهای جهان بشود متفقین
هنوز باین پیشنهاد جواب نداده اند. «قل از کوشش»

کارخانه مهر لاستیک سازی ایران

واقع در خیابان لاله زار - پاساژ ایران سازنده بهترین مهر
لاستیکی میباشد.
سفارشات از ولایات قبول میشود.

تلویو - «روزنامه فلسطین و خاورمیانه» پیشنهاد یکی از
مهندسين امریکائی را انتشار داده است و آن عبارت از تاسیس و
نصب يك منبع بسیار بزرگی روی رود فرات میباشد با احداث این
منبع آب میتوان صحرای لم بزوع عراق و سوریه و فلسطین را مشروب نمود
حیفا - آژانس بلکور اطلاع میدهد که از تاریخ اول اکتبر
سرویس دریائی مرتبی بین نیویورک و حیفا برقرار شده است
تلویو - آژانس بلکور اطلاع میدهد یکی از کارخانه های
اتومبیل سازی امریکائی قریباً کارخانه ای در حوالی تلویو تاسیس
خواهد نمود که در آن هزار کارگر میتواند مشغول کار شوند -
لندن - روزنامه های انگلیسی در صفحات اولیه خود اخبار
واصله از ورشو را درج نموده اند که طبق آنها بقایای اسرائیل
لهستان تحت فشار و قتل عام از طرف اهالی واقع شده اند ضمناً
وضعیت اسفناک بازماندگان اسرائیل را در باز داشت گاهای اروپا
متذکر شده و اشعار داشته اند که تمام آنها تقاضای انتقال بفلسطین
را دارند.

نیویورک - کمیته صیونست امریکا اعلامیه ای منتشر کرده
و از اقدامات ترومن در نزد مستر اتلی برای بازگشت یکصد هزار
نفر یهودی بفلسطین که فعلا در بازداشتگاههای اروپای مرکزی بسر
میبرند اظهار سرت نموده - این اعلامیه اشعار میدارد که چنین
درخواستی قبلا توسط آژانس یهود بعمل آمده بود که اظهار داشته اند
یکانه راه حل مسئله یهود همانا تاسیس (کشور یهود) میباشد.

تل آویو - روزنامه (همشکيف) جزئیاتی درباره آقاي ژبلت
عضو مجلس سنای امریکا نگاشته است نامبرده از طرف ترومن بآمر
گردیده که در اطراف اقدامات رئیس جمهور نظریات خود را
اعلام دارد مدت چند هفته است که از پست دولتی خود استعفا
داده و اظهار داشته که میخواهد از این پس عمر خود را کاملاً وقف
دفاع از آمل صیونست بنماید.

ضمن کنترانس مطبوعاتی اظهار نمود که باید بفوریت بقایای
اسرائیل را که در بازداشتگاههای اروپای مرکزی بسر میبرند آزاد نموده
و بادره UNRRA دستور داده شود که کمکهای مادی لازمه را به
آنها بنماید - از طرف دیگر نامبرده متفق است که ملت یهود
باید نماینده رسمی در میان کمیسیون های غرامات و مجازات تبهکاران
جنگ داشته باشد - علاوه بر آن هر یهودی اروپائی باید حق آنرا
داشته باشد که اگر بخواهد بتابیت فلسطین در آید جلو گیری
از او نشود.

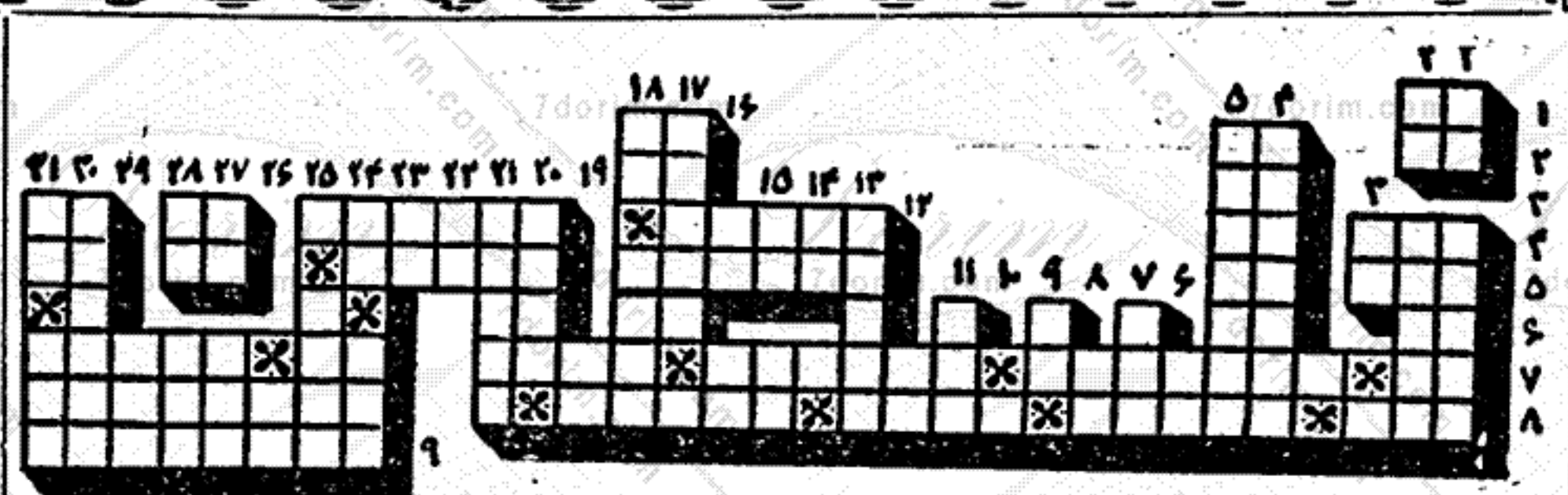
تنسولگری های انگلیس در سرتاسر امریکا درخواست های آنها را
باید پذیرند و باید کمیسیون مختلطی از نمایندگان انگلیس و امریکا
و شوروی مأمور معاودت یهودیان بفلسطین گردد.
تل آویو - طبق اخبار روزنامه (داوار) سه هزار یهودی بن
با وضعیت فقر و فلاکت خیلی سختی در سرحدات آن کشور متواری
هستند -

تل آویو - از ورشو به «ها ارتس» خبری واصل شده که
دولت لهستان مشغول بررسی موضوع تجدید و بسط روابط تجارتي
بافلسطین میباشد و در نظر دارد برای این منظور هیئت تجارتي بفلسطین
اعزام دارد که قضیه را در محل مطالعه نماید.

تل آویو - دبیرستان هرتمل که اولین دبیرستان غیري فلسطین
است بزودی جشن چهلمین سال تاسیس خود را منقذ خواهد ساخت.
تل آویو - (همشکيف) اطلاع میدهد که ۲۴۰ طبل بنیم
یهودی ضمن قتل عام دسته جمعی که اخیراً در شهر را کفا (لهستان)
بعمل آمده بقتل رسیده اند.
لندن - اسقف کاتر یکی از روسای کلیسای انگلیس که از

مسابقه برای دوشیزگان

« اگر مادر شدید سعادت خانواده خود را چگونه میخواهید تا همین گنبد » دوشیزگان در این مسابقه شرکت نمایند و افکار و سلیقه خود را بطور مختصر که از ۲۰ سطر این کتاب تجاوز نکنند بایک قطعه از عکس خود با آدرس صحیح برای ما بفرستند که بترتیب در هر قسمت از این کتاب چاپ میشود . به فرستنده بهترین جوابها یک کلدان نقره تقدیم میشود .



طرح کننده - رخا پری

افقی

۱- زیاد نیست ۲- سیا - اصل بی انتها - موش سیاستمدار نازی که خود را در جنگال کره انداخت
 ۳- سوم شخص نبرد - پروردگار عالم (به عبری) ۴- خوب (به عبری) - صورت - بزرگترین عامل مؤثر جنگ عالمگیر دوم - شاعر ملی اسرائیل - کاشف میکروب سل - حیوان سبع ۵- ترس - ته رودخانه و کنار دریا فراوان است - پر آب ترین رودخانه های عالم - این شخص یهودی مترجم کریستف کلمب و اولین کسی بود که از کشتی یا بخاک امریکا نهاد - ماده نیست - او ۶- پس و پیش کنبد تا طلا شود - برای من (به عبری) - خیر - نون را از او بریده اند و گرنه صاحب ۹۰۰ سال عمر میشد ۷- دریا (به عبری) - لقبی که خدا حضرت یعقوب داد - کشتی نوح روی این کوه بخشکی نشست - یکی از یسویان ارمنی - لنگ - مرد مقدسی است که در آتش رفت و گرنه ندید ۸- من (به عبری) - کشور - قلعه شکست ناپذیر فرانسه یا استالین گراد جنگ بین المللی اول - امکان ندارد کسی حرکات این شخص یهودی را به بیند و نخندد - این شخص که به (یهودی کوچکولو) معروف است وزیر جنگ و وزیر مستعمرات و دارای سه تنای مهم دیگری در انگلستان بوده و هست ۹- این شخص یهودی در قرن ۱۸ بزرگترین نویسنده و سیاستمدار ونجست وزیر بریتانیا کبیر بوده است ۱۰- یکی از سرداران معروف آلمان در جنگ اخیر ۱۱- حاجی ربابه سر خیلی ها گذاشت

عمودی

۱- نمیشود - آب گرم این ناحیه در فلسطین بسیار معروف است ۲- مرکز تفکر - یسوی کونونی یهودیان دنیا و مکتشف گاز خنه کن ۳- یکی از شهرهای اطراف کرمان ۴- شهری که در نظر تمام جماعت های دنیا مقدس است ۵- مرامی است که هر فرد یهودی بان افتخار میکند حتی اینشتین در نقطه اش ۶- نقش ۷- یکی از وسایل آرایش زنان ۸- علامت ربط (به عبری) ۹- دانه های معطری دارد ۱۰- حرف ربط ۱۱- هر جا دیدی اگر توانستی سرش را بکوب ۱۲- قبول نیکند ۱۳- این صدراعظم بدبخت با یهودیان در آویخت و عاقبت خود و دوازده پسرانش بدار آویخته شدند ۱۴- سرنگون شده ۱۵- ۰۰ سبه روی شود هر که در او غش باشد - ميم سرش بگذارى چیز خوش مزه ای میشود ۱۶- يك حرف درمیش بگذار تا لرزد آن مستولی شود - حرف ربط ۱۷- سرسلسله کهنه یهود ۱۸- یکی از امراض خطرناک - چند سال دیگر درخت میشود ۱۹- شهر کوچکی است در جنوب تهران ۲۰- این شخص یهودی رئیس الوزراء اسبق فرانسه میباشد ۲۱- یکی از حواریون حضرت مسیح - راست و مستقیم ۲۲- یازده رها ۲۳- پهلوان وارونه - همگی ۲۴- به (به انگلیسی) جوهر شیرینی - بهم کویده و مالیده شده ۲۵- موسیقی دان مشهور یهودی فرانسه در قرن (۱۹) ۲۶- مو ۲۷- یکی از قراء اطراف تهران - در آسمان است ۲۸- صاحب آواز انکر الاصوات - اثر غضب خدا ۲۹- خود نائی و نظاهر ۳۰- کوچکترین رتبه کارمندان رسمی دولت ۳۱- دیروز - اگر (ن) بان اضافه کنی نقاشی خواهد بود که ادعای یغبری کرد

برنده جایزه قسمت ۱۰ این کتاب

شماره ۷۸۷ میباشد

شرح حال

پروفسور حییم وایزمن رئیس تشکیلات صیونیت جهانی از طرف نگاه نشریات عم می منتشر شد . نمایندگان شهرستانها تعداد مورد لزوم خود را بما اطلاع دهند . بفروشدگان صدی سی تخفیف داده می شود : بها سه ریال

نگاه نشریات عم حی

صندوق پستی شماره ۱۷۶ - تهران

PALESTINE
And Middle East.
 بهترین جله ماهیانه ایست که اوضاع سیاسی - اجتماعی و مسائل روز عالم یهود را بزبان انگلیسی (چاپ تل آویو) منتشر میازد .
 برای اشتراك و اطلاعات بیشترى با نشانی بنگاه عم حی تهران ، ق پست شماره ۱۷۶ مکاتبه کنید .
 بهای اشتراك ماهیانه : ۱۵۰ ریال میباشد .

بنگاه نشریات عم حی

برندگان جوایز قسمت ۸

عدد زیادی جدول نامبرده را صحیح حل نموده اند و در بین آنها دو نفر دوشیزه قدس بستانی از «مدان» و آقای حبیب الله یزدی از «تهران» بجهت قرعه برنده جایزه شناخته شدند .

بدینوسیله از دوشیزه قدس بستانی و پروانه یاشار « بابل » (برنده جایزه قسمت ۶) تقاضا میشود که آدرس خود را تعیین کنند تا جایزه ها ارسال گردد .

شرکت سهامی چاپ

دوشیزگان

عالمی

کرد آورند .
 مهندس اوستانی
 حبیب الله لای

نشانی :
 خیابان چرچیل
 کوچه گلکار شماره ۷

قسمت ۱۳

۵۷۰۶
 ۱۳۲۴
 ۱۹۴۵

۲۳ خشان
 ۸ آبان ماه
 ۱۳۰ اکتبر

بها
 هریال

دوشیزگان



فهرست فهارس درجیات

صفحه	عنوان
۲۲۶	مات یهود هر گریخت نیکنند
۲۲۷	تشکیلات (انجمن مرکزی دوشیزگان اسرائیل ایران)
۲۲۹	نقشه های جدید - بزرگان یهود
۲۳۰	را بشناسید
۲۳۰	بغند میزند - فراموش نیشود
۲۳۱	کار و صنعت
۲۳۱	باز هم بچه کرد جواب میدمد
۲۳۲	برای زنان
۲۳۲	علاقه بهم جنس - آقایان روی
۲۳۳	سختن با شما است
۲۳۳	آینده ملت یهود - جوابهای
۲۳۴	خصوصی - نامه وارده
۲۳۴	طریقه جدید نگاهداری حساب
۲۳۵	بزبان عبری - کتابخانه انجمن روحانی
۲۳۵	بچه ها چه میکنند
۲۳۶	توضیحات و احوال یهودیان شهرستانها
۲۳۷	اخبار
۲۳۹	بخش کودکان

تقویم هفتگی

حشوان	آبان	اکتبر
۵۷۰۶	۱۳۲۴	۱۹۴۵
۳	۸	۳۰
۴	۹	۳۱
۵	۱۰	نوامبر
۶	۱۱	۲
۷	۱۲	۳
۸	۱۳	۴
۹	۱۴	۵

از زیباییهای شرق ، يك نخلستان در ارض اسرائیل